

سرمقاله ...

مضمون قیام و وظایف ما

منصور امان

خیزش شهریور به ماه مهر نیز پا گذاشت و همچنان به پیشروی خود نه فقط در خیابان، بلکه در قلب و ذهن جامعه هم تداوم بخشید. مقاومت دلیرانه جوانان، زنان و مردان، شور و شوق تغییر را به دورترین لایه های اجتماعی سرایت داده است. موج همبستگی چهره های مشهور ورزشی، هنری و رسانه ای که فعالیت شغلی آنها در محیط عمومی تحت پایش و مجوزهای حاکمیت قرار دارد، نشانه انکار ناپذیری از توان و دامنه معنوی خیزش است که به مرزهای میهن نیز محدود نمانده. شعارها، شجاعت و مقاومت قیام کنندگان، از کشورهای همسایه تا آمریکا و اروپا جوامع مدنی و رسانه ها را به شگفتی، تحسین و همبستگی واداشته است. به جرات می توان گفت کمتر خیزش و مقاومت توده ای در جهان را می توان یافت که در این حجم و گستره، همدلی و حمایت بین المللی جلب کرده باشد. در همین حال قیام ۳۰۱ تأثیرات مهمی نیز در پهنه نظری و دیدگاهی داشته است که یک تغییر گفتمان دورانی را نوید می دهد. در شرایطی که توفان قیام با شدت می وزد و جامعه تحولاتی شتابان را تجربه می کند، اشاره به این تأثیرات از زاویه وظایف عملی که در دستور کار باید قرار گیرد و آماجهایی که به مثابه هدف باید بدانها چشم دوخته شود، دارای اهمیت است.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

نگاه کنید، راست راستکی این یک انقلاب است!

مهدی سامع

صفحه ۲



دلکان بی عار،

یا هنرمندان صاحب نام؟

فتح الله کیاییها

صفحه ۷

عبور از همیشه

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۶

شمع و پروانه

مرجان

صفحه ۷

«فلک را سقف بشکافیم»

و طرحی نو در اندازیم»

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

قیام آتشین

ایران در آستانه انقلاب رهایی بخش

صفحه ۸

بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب

کامران عالمی نژاد

صفحه ۵

این موج خروشان است

مهدی سامع

صفحه ۲۲

گزارش تظاهرات در پاریس

و هواداران رضا پهلوی متظاهر به اصول دموکراسی

عباس بختیاری

صفحه ۱۸

اوین؛ آتش خشم مردم شعله ور شد!

زینت میرهاشمی

صفحه ۲۲

بنام زن، زندگی و آزادی

فتح الله کیاییها

صفحه ۱۷

هوای مهر

مهین

صفحه ۶

در این شماره ...

حمله تبهکارانه به مقرر احزاب کرد ایرانی را محکوم می کنیم... صفحه ۱۱

حمایت از فراخوان «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران» صفحه ۱۳

چالشهای معلمان... فرنگیس بایقره صفحه ۱۲

رویدادهای هنری ماه... فتح الله کیاییها صفحه ۱۴

زنان در مسیر رهایی... اسد طاهری صفحه ۱۹

یادواره... رفیق شاهرخ هدایتی... امیر ابراهیمی صفحه ۲۴

شهادت فدایی آبان ماه صفحه ۲۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

نگاه کنید، راست راستی این یک انقلاب است!

مهدی سامی

نویسنده قبول دارد که «الگوی واحدی وجود ندارد که بتواند سرمشق همه انقلابها قرار گیرد و هیچ قاعده‌ای هم وجود ندارد که بگوید انقلابها چطور خلق می‌شوند. واژه "انقلاب" بر یک مجموعه گسترده و عام دلالت دارد، و انقلابهای بزرگ در جزئیات فراوانی باهم اختلاف دارند».

اگر نویسنده صادق باشد و به حرف خود به طور دقیق و کارشناسانه اعتقاد داشته باشد، چرا نباید قبول کند که تجربه انقلاب ایران هم نه به واسطه واژه آن، بلکه به خاطر مجموعه شرایط عینی و ذهنی موجود می‌تواند به اندوخته تلاشهای بشری برای رهایی اضافه شود.

به گمانم نویسنده مقاله نه با انقلاب کلاسیک که با اصل انقلاب در ایران مخالف است. او می‌نویسد: «به دلیل فقدان بسیج توده‌ای از اقشار و گروههای مردمی، به ویژه کارگران و کشاورزان که همواره در انقلابات کبیر فرانسه، چین و روسیه نقش‌آفرین بودند و نیز عدم تغییر زیربنا در ساختار توزیع ثروت و قدرت به مثابه دو شاخص اصلی و تعیین کننده حتی امکان انقلاب اجتماعی در کشور هم محتمل نیست».

ملاحظه می‌شود که نویسنده با سرهم کردن برخی از واژه‌ها مثل «فقدان بسیج توده‌ای از اقشار و گروههای مردمی، به ویژه کارگران و کشاورزان» وقوع هر انقلابی را محتمل نمی‌داند. طرح واژه «کلاسیک» از جانب کارشناسی که به فیلمهای «کلاسیک» دهه پنجاه تا هفتاد علاقه دارد، یا دچار «توهم» در مورد «خلافت مطلقه» شده و یا یک نیرنگ برای نفی اصل انقلاب است.

آیا گروههای مردمی در قیامی که اکنون جریان دارد شرکت ندارند؟ آیا نویسنده مقاله پروسه‌ای که

طی چند سال پیش جریان دارد را ندیده است؟ آیا به انقلاب نه به مثابه یک جریان رو به رشد، که فقط به نقطه سقوط نظم حاکم می‌اندیشد؟ به گمانم کارشناس ما همه آنها را می‌داند، ولی به خاطر منافعی که در بقای نظام حاکم دارد، زمین و زمان را به هم می‌بافد تا از نمد نظام، گلاهی برای خود درست کند.

راست است که نویسنده مقاله به اندیشه‌های کارل مارکس اعتقادی ندارد. اما به خاطر برخی موارد ضروری لایذ شماری از نوشته‌های برجسته‌ترین اندیشمندان هزاره دوم را خوانده است. مارکس می‌نویسد: «وجود انسانهای رنج‌دیده‌ای که فکر می‌کنند و انسانهای متفکری که رنج می‌برند با این دنیای ددمنش و بی‌اثری که مایه لذت برخی افراد مبتدل و محدود‌الفکر است، به ناچار وارد مرحله خصومت می‌شود».

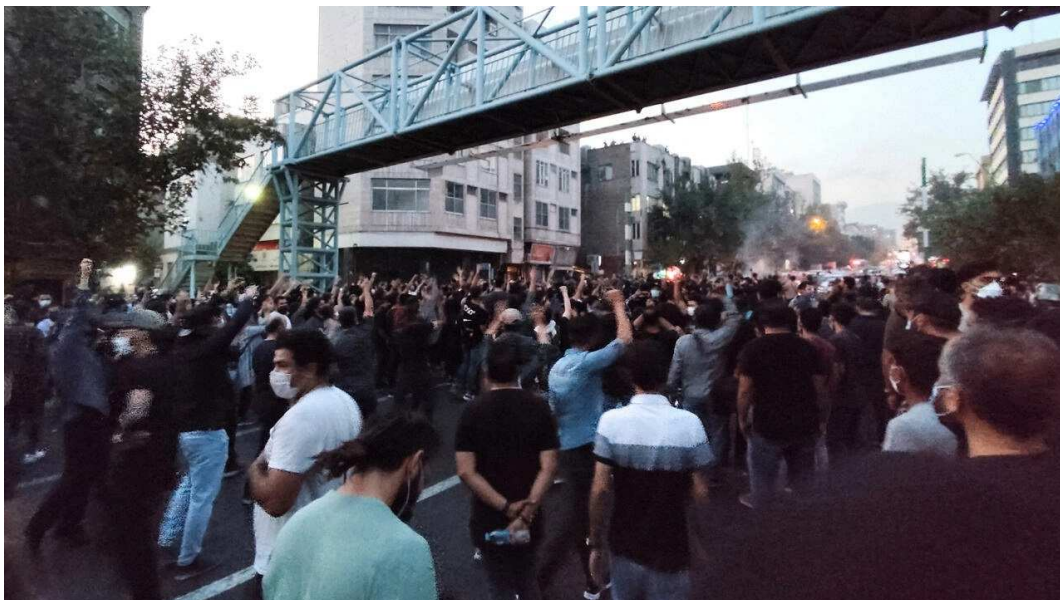
آقای استاد، خوب نگاه کنید، موریانه به جان این نمد افتاده است. در مورد ابعاد انقلابی که شما آن را «اسلامی» تعریف می‌کنید، زیاده‌گویی نکنید. لطفاً از پنجره اطاق کار خود به خیابان نگاه کنید. راست راستی این یک انقلاب است و اگر منافعی در حفظ نظام مسئول ویرانی ایران ندارید، انقلاب بی‌شماران با تمام رنگارنگی آن به شما خواهد آموخت.

که صاحب امتیاز آن «مرکز بررسیهای استراتژیک نهاد ریاست جمهوری» است، ذکر کرده است.

خطاب نویسنده مقاله به «نوجوانان و جوانان تحولخواه و معترض» است که از نگاه نویسنده «هیجان زده» و دچار «توهم» شده‌اند.

از شروع مقاله که قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی «مرگ نابهنگام و تأمل برانگیز» تعریف می‌شود، می‌توان درک کرد که هدف نویسنده این است که «جوانان و بعضاً نوجوانان»، «خام‌پندارانه سخن از نزدیک بودن انقلابی در آستانه‌ی وقوع با رویکرد لیبرال‌منشانه» نباشند، چون «در پی وقوع انقلاب اسلامی بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران سیاسی بر این اعتقاد پای فشرده‌اند که این انقلاب آخرین نوع از انقلابهای کلاسیک قرن بیستم است و البته هنوز هم هستند کارشناسان و نظریه‌پردازانی که معتقدند انقلابهای سیاسی تکرار شدنی است». البته کلید واژه «هجمه

خروش پرتوانی که با شهادت مهسا امینی (ژینا) جرقه آن زده شد و تا پایان ماه مهر با عمق و وسعت به حریق تبدیل شد، مرز اعتراض برای این یا آن خواسته برحق را درنورید و از همان ساعت‌های اول کل نظام را نشانه گرفت. در ابتدا مستبدان حاکم و در راس آن ولی فقیه نظام در اندیشه «جمع» کردن «فتنه و اغتشاش» بودند و با نسبت دادن آن به «امریکا و رسانه‌های معاند» در خیال خام پایان دادن به قیام مردم بودند. اما این بار واقعیت سخت «میدان» با همه درخشندگی و فداکاریهایی که در درون آن شکفته شد، خیال خام حاکمان را به سخره گرفت. صحنه‌های شگفت‌آور قیامهای روزانه-شبانه و به خصوص آن چه در آخرین روز ماه مهر در ایران و در برلین با شور و رمزندگی به صحنه آمد، مشخصات بی‌سابقه‌ترین تلاش برای آزادی را به ثبت رساند.



رسانه‌ای شبکه‌های معاند» هم کمک می‌کند تا «دلواپسی» به حق نویسنده از این که «آن سبو بشکست و آن پیمانانه ریخت» درک شود.

به نظر می‌رسد طرح واژه «کلاسیک» در مورد انقلاب به خاطر این نیست که نوع خاصی از انقلاب غیرممکن اعلام شود. این واژه که صد در صد بی‌مورد به کار رفته، برای این است که زیرآب مسأله انقلاب زده شود و «انقلاب اسلامی» به گفته نویسنده پایان تاریخ تکامل بشری اعلام شود. شاید هم به گمان نویسنده تکامل «انقلاب اسلامی» در مسیر تکامل خود به «تمدن اسلامی» و سرانجام به «ظهور» ختم شود. واژه «شاید» را به این خاطر به کار بردم که از همه دیدگاههای نویسنده اطلاع ندارم. البته از کارشناسی که یک «پا» در خانه «اصلاح طلبان حکومتی» و «پا»ی دیگر در «بیت» و در میان «یاران خراسانی» داشته باشد، نباید انتظار شفافیت داشت. درست اینست این سوال را در برابر نویسنده قرار داد که اگر واژه «کلاسیک» برای انقلابهای گذشته تا انقلاب اسلامی «علمی» و «کارشناسانه» است، آیا وقوع انقلاب «غیر کلاسیک» که ابعاد و تاریخ وقوع و پیروزی آن را مانند همه انقلابهای گذشته نمی‌توان به طور دقیق پیش‌بینی کرد هم در ایران «توهم» است؟

بحران و شرایط انقلابی به اعتدالی بی‌سابقه تکامل یافته و حکومت را در درون و پیرامون با چالشهای بی‌شمار درگیر کرده که ردیف کردن آن، با توجه به پوشش رسانه‌ای تضادها و چالشهای درون و پیرامون نظام، ضروری نیست. اما برای خنده هم که شده، حرف پاسدار حسن کرمی، سرکرده یگان ویژه فرماندهی انتظامی رژیم شنیدنی است. این پاسدار جنایتکار در روز شنبه ۲۳ مهر گفت اعتراضات «جمع شده و پایان یافته است... و این توانمندی را داریم که این گونه حوادث را در کمتر از ۵، ۶ روز جمع کنیم.» (فارس)

هدف این یادداشت کوتاه تحلیل شرایط انقلابی و نشانه‌های مربوط به آن نیست.

این یادداشت به تحلیل گفتمانی می‌پردازد که با خنثی شدن گفتمان «سوریه‌ای و تجزیه شدن ایران»، اکنون به مسأله روز در مقابل قیام مردم برای تحقق انقلاب دمکراتیک تبلیغ و ترویج می‌شود.

رسانه ستاره صبح آنلاین در روز یکشنبه ۱۷ مهر، در میانه قیام رهایی بخشی که جریان دارد، مقاله‌ای با عنوان «توهم وقوع انقلابی کلاسیک، در قرن بیست و یکم» به قلم محمد مهدی فتوره چی، پژوهشگر و مدرس در دانشگاه تهران، منتشر کرده و منبع اصلی آن را «فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی»

سرمقاله ...

مضمون قیام و وظایف ما

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

یک ضربه ایدئولوژیک و بنیادی

اصلی ترین ضربه در جنبش به حرکت در آمده از شهریور را ایدئولوژی رسمی و نهادهای اداره کننده آن خورده اند. خرداد ماه، همان هنگامی که تهاجم حاکمیت و اوباش تحت امر آن به زنان زیر عنوان "طرح حجاب و عفاف" آغاز گردید، بر هیچکس در جامعه پوشیده نماند که مانور خشونت بار نیروهای سرکوب در خیابانها هدف جز جلوگیری از انفجار نارضایتی مردم از وخامت شرایط زیست و معاش خود و بی حقوقی مطلق در بهبود یا تغییر آن ندارد. "نظام" با این هدف که پیش از سرگرفتن یک خیزش دیگر - که همه پیش شرطهای شکل گیری آن موجود بود - به گونه پیش دستانه به "دشمن" هجوم برده و او را زمینگیر و هراسان کند، با دستاویز پوشش زنان با به میدان گذاشت. به این ترتیب "شرع مقدس" جایگزین و پرورش گرونا شد و وظیفه آن را به عهده گرفت که برای یک دوره توانسته بود به گونه مرگباری جامعه را به خود مشغول دارد و توجه آن را از "نظام" منحرف کند.

حاکمیت در حالی مساله "حجاب اجباری" را به مثابه اصلی ترین سلاح خویش برای ترور جامعه و اجتماعی کردن سرکوب در برابر مردم معترض و جان به لب می کاشت که پیشاپیش مشت اش باز شده بود و آنها دریافتند که توسل به شرع و اسلام تنها ترفندی برای به اطاعت واداشتن و ساکت نگه داشتن شان است. در تجربه آنان، آیه های دینی و مقدسات آیینی حاکمان فاسد و ستمگر بی اعتبار و منسوخ شده بود و به این گونه استبداد مذهبی پایه ایدئولوژیک هژمونی خویش را در برابر خطر خرد شدن و ریزش قرار داد؛ اتفاقی که بی درنگ پس از آغاز جولان "گشت ارشاد" و گسیل گرمه های حکومتی به پیاده روها و خیابانها برای آزار و تحقیر زنان بر سر حاکمیت نازل شد.

شعار "زن، زندگی، آزادی" محصول بی واسطه این آگاهی و بیان سیاسی یک مرزبندی روشن در شرایط انقلابی است؛ زمانی که ابزارهای اعمال هژمونی حاکمان ناکارا و بی اثر می شود و توده نظم موجود و استدلالها و قوانینی که سلطه آن را مشروع می سازد، برنمی تابد. از این زاویه شگفت آور نیست که برجسته ترین شعار خیزش ۴۰۱، صف مقدمی را نشانه برود که دستگاه سرکوب علیه جامعه به خط کرده است. هنوز چهار هفته بیشتر از عمر اعتلاء اجتماعی نمی گذرد و با این وجود در همین مدت کوتاه، بنیان سیاسی - ایدئولوژیک چهل ساله رژیم ولایت فقیه، یعنی حجاب اجباری چنان ضربه ای خورده است که دیگر ترمیم پذیر نیست. زنان و مردان به پاخاسته نظم اجتماعی تحمیلی را پشت سر گذاشته اند و حتی اگر رژیم حاکم از تیغ خیزش جان سالم به در ببرد، تامین هژمونی از این منبع جز با هزینه کلان و خسارت جبران ناپذیر ممکن نخواهد بود.

مرحله انقلاب

قرار گرفتن زنان، نوجوانان دختر و حتی دختران خردسال دانش آموز در جایگاه موتور محرک اعتراضات و جنبش، از یکطرف درجه خودآگاهی زنان به حقوق خویش و از طرف دیگر، آمادگی آنها برای جنگیدن برای این حقوق را مستند کرده است. نقش برجسته زنان در اعتراضات ایران اکنون در پهنه بین المللی هم به عنوان یک ویژگی منحصر بفرد موضوع بحث و مورد تحسین است و در هر صحنه عمومی که نام آنها به میان می آید، با

غریو ستایش همراهی می شود. این یک شکست بزرگ برای اسلام پیپاسی و دستگاه حکومتی آن است که انسان درجه دوم شمردن زنان بخش مرکزی ایدئولوژی و سیاست اجتماعی آن را تشکیل می دهد.

رژیم ولایت فقیه برای دهه ها تلاش کرده زنان را با انگه های ضعیف، وابسته، اتکا ناپذیر و بی صلاحیتی از قلمرو زندگی اجتماعی بیرون براند و برای بی حقوقی شان حجت شرعی پتراشد. زنان نیز به درازی طول عمر این کابوس قرون وسطایی، در برابر آن مقاومت کرده اند و اجازه نداده اند سرنوشت شان را یکسره در اختیار بگیرد. اما مبارزه ای که اینک آغاز کرده اند، اسلام سیاسی را به گونه قطعی از حیث ایدئولوژیک خلع سلاح کرده و باطل بودن آیه ها و یاهو های مقدس اش را به طور عینی و عملی به اثبات رسانده است.

برای نخستین بار است که مساله حقوق زنان، جرقه یک قیام سراسری را می زند، اما پایمالی حقوق دموکراتیک و پایه ای توده ها توسط رژیم چا، مساله تازه ای نیست و همواره موضوع اصلی و بخش جدایی ناپذیری از مبارزه جاری بوده است. مطالبات دموکراتیک برای رفع ستم جنسی، قومی، دینی و برای حقوق شهروندی، حقوق صنفی و سیاسی، آزادی بیان، احزاب و اجتماعات و حق مشارکت در تعیین مقدرات کشور، نقش بستر نیروی پیش برنده ستیز با نظم موجود را ایفا کرده است. مبارزه زنان، کارگران، کشاورزان، معلمان، جوانان و دیگر بخشهای معترض جامعه با هر سوژه و محور، در انتها مبارزه برای آزادی و برای رهایی از قید و بندهایی است که یک استبداد دینی به گونه همه جانبه بر زیست و معیشت آنها تحمیل می کند. نه فقط مضمون، شعارها و سمگیری این مبارزات، بلکه ماهیت ماقبل سرمایه داری ستمهایی از نوع حجاب اجباری، پایمالی حقوق شهروندی، بی عدالتی قضایی، غارتگری، برده سازی نیروی کار و چز آنها، افق تحولات دموکراتیک را به عنوان مقصد جنبشهای کنونی و تغییرات مورد نظر آنها

جنگند؛ آنچه که در شعار "زن، زندگی، آزادی" نیز ترجمان خود را یافته است.

مذهب ستیزی؛ یک اتهام دو مدعی

در این راستا، تلاشهای زینباری که برای نشان دادن آماجهای نادرستی مانند مذهب ستیزی یا حجاب ستیزی در دستور کار خیزش صورت می گیرد یا هویت آن را با این صفات معرفی می کند، نه فقط مسیبه دموکراتیک، آزادیخواهانه و عدالت طلبانه این روند را منحرف و قیام را به جای بیت قدرت به آدرسهای اشتباه می برد، بلکه عامل پراکندگی صفوف توده و ایجاد شکاف بین آن هم است. قیام سراسری ۴۰۱ و شعارها و مضمون سیاسی ای که از آن برمی خیزد به روشنی بیهودگی تبلیغات و کمپینهای ضد مذهبی را که راست سلطنت طلب از یکسو و بخش کوچکی از چپ از سوی دیگر محور فعالیتهای بسیج گرانه خود قرار داده بودند، به روشنی به نمایش گذاشت.

قیام نشان داد که توده را پرچم جنگ حیدری نعمتی به خیابان نمی کشد و خواست آن از مجادلات فلسفی غیر طبقاتی بسا فراتر می رود. توده نه "اسلام" مجرد و یک باور فلسفی، بلکه "اسلام سیاسی" را هدف گرفته که فراتر از دین، یک نظم اجتماعی و سیستم سیاسی است که دین، نهادها و باورهای آن را در خود ذوب و تابع الزامات و نیازهای خویش ساخته است.

برخلاف شوالیه های جنگ خیالی علیه مذهب، توده ها دیرگهیست که دریافته اند "اسلام" فقط پوسته نازک روی واقعیت است و نقش ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به بی عدالتی و بی حقوقی آنها و ممکن ساختن سلطه اقلیتی شارلاتان و فاسد بر منابع قدرت و ثروت را بازی می کند. آنها خود مشکل را هدف می گیرند و نه زوروری که در آن پیچیده شده. شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" تبلور این آگاهی است، مردم معترض رابطه ای که بین فشارهای اقتصادی -



به نمایش گذاشته است. امروز مبرمترین وظیفه یک تحول انقلابی، دست زدن به وسیع ترین دگرگونیهای دموکراتیک در ساختارهای سیاسی و اقتصادی است؛ تحولی که حل تضاد مردم و حاکمیت پیش درآمد آن است. این واقعیت که خیزش ۴۰۱ از همان ابتدای شکل گیری، سرنوشتی رژیم حاکم را به عنوان هدف در برابر خود گذاشت، یک بار دیگر و همچون سمگیری براندازانه خیزشهای دی ۹۶ و آبان ۹۸، زیر این واقعیت خط تاکید کشید که رژیم فاسد و مستبد در مرکز مشکلات مردم با هر ویژگی مطالباتی قرار گرفته و به همین دلیل نیز مساله اصلی خیزشها دستیابی به خواسته های صنفی و ویژه یا رفع یک ستم انتزاعی نیست، بلکه آنها خواهان پایان ستم حاکم به طور عام و "آزادی" به طور مشخص هستند. مردم معترض، کسب دموکراسی را در دستور گذاشته اند و برای آن می

اجتماعی تحمیل شده بر خود و استفاده "بالاییها" از مذهب برای تقدیر و رسالت تراشی از شرایط شان را دریافته اند و فریاد می زنند: "مردم و ذله کردن - اسلام و پله کردن". آنها رخت جادویی را که دزدان و چپاولگران برای نامرئی شدن و مصونیت یافتن به تن کرده اند با شعار "حسین حسین شعارشون - دزدی و غارت کارشون" از هم می درند و بر کارکرد سیاسی - اقتصادی مذهب در پروسه انباشت غارتگرانه انگشت می گذرانند.

در همین حال باید توجه داشت در حالی که مذهب ستیزی به مثابه خط و برنامه سیاسی از جانب جریانهای یاد شده پایه ذهنی داشته و از مرز سردادن چند شعار لوکس و ناب فراتر نمی رود، اما برای حاکمان چا خط کشی بین مذهبی و غیرمذهبی، با خدا و بی خدا، با

بقیه در صفحه ۶

«فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم» (حافظ)

زینت میرهاشمی

«مجلس به دنبال ایجاد بستری قانونی برای شنیده شدن اعتراضات مردم است.» البته وی بستر مناسب را برای احزاب «شناسنامه دار» که همان حکومتیها هستند، در نظر گرفت.

دختران دانشجویی دانشگاه الزهراء، روز شنبه ۱۶ مهر، با شعارهای «رئیس برو گمشو»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد، چه رهبر»، از رئیس استقبال کردند که به مناسبت آغاز سال تحصیلی به این دانشگاه رفته بود.

رئیس زیر رگبار شعارهای ضد نظام و ضد خودش گفت: به «دانشجویان اجازه تحقق خیالهای باطل را در محیط دانشگاه» را نخواهیم داد. زهی خیال باطل!

روز شنبه ۱۶ مهر، نقطه عطفی در قیام ۲۴ روزه ایران زمین بود. در بسیاری از شهرها، خیابانها زیر گامهای استوار جوانان قیام کننده تسخیر شده بود. تسخیر محله هایی مانند نازی آباد، که ساکنان آن زحمتکش هستند، پیوند مبارزات را نشان می دهد.

تهدیدهای سردمداران رژیم در سی و شش روز گذشته، بیچارگی و ناتوانی دستگاه سرکوب در مهار قیام را نشان می دهد. رژیم با گسیل همه مزدورانش، با اسلحه های جنگی و ساچمه ای، با راه اندازی ساندیس خورها در خیابان و با استفاده از همه رسانه های حکومتی در

هنگام برگزاری نماز، تیرباران جوانان در خیابان، کشتن با باتوم و... نشانه دست و پا زدن حکومتی است که در گل گیر کرده و همه ظرفیتهای و راههای بازدارندگی اش به بن بست رسیده است. از این منظر است که اکثریت تحلیلگران، مسیر موجود را سرنگونی رژیم می دانند.

در برابر شجاعت بی نظیر جوانانی که اراده کرده اند تا «انقلاب» نشده به «خانه» برنگردند، شب پرستان عمامه دار و دلواپسان رنگارنگ را بر آن واداشته تا زمین و زمان را به هم بیافند تا راه حلی برای توقف میل خروشان خشم مردم پیدا کنند. جنایتکاری که نامش میلیونها بار به اسم دیکتاتور در خیابانهای ایران و جهان فریاد زده شده، تا چندین هفته در سکوت به سر برد. او حتا برای دلگرمی اوباشان آتش به فرمانش هم به میدان نیامد. رئیس (قاتل ۶۷)، تقلیدی از شاه هنگام فرار از ایران را آورده و گفت که صدای «اعتراض» را شنیده و باید بین «اعتراض و اغتشاش» تفاوت قائل شد. وی گفت: «مسولین باید آستانه تحمل خود را بالا ببرند...

قیام سراسری زنان و مردان ایران زمین، با جوانه زدن از دل خیزشهای قبلی، با قتل حکومتی مهسا امینی (ژینا) در ۲۵ شهریور امسال سربلند کرد. قتل ژینا جرقه ای بود که موجب برکشیدن زبانه آتش خشم مردم شد. قیامی که از شهریور ماه آغاز شد، پر قدرتمندتر از هر هنگام تا پایان ماه مهر ادامه داشت و با قدرت وارد آبان شد. قیامی متحد، گسترده و رنگارنگ تر از هر زمان با گامهایی استوار پیش می رود.

تعریف انفجار خشم گسترده و سراسری اخیر، بنا به بیان نیروهای محرکه آن: «پهش نگین اعتراض، اسمش شده انقلاب». ایران زمینی که آستن فوران خشم و تنفر مردم بود اکنون زایش انقلابی نوین را نوید می دهد. شعارها و همآوردی برای سرنگونی دیکتاتوری دینی است که جنس قیام را تعریف می کند. از این منظر باید گفت، شعارها و تسخیر خیابان در همآوردی با نیروهای سرکوبگر، افق روشنی را برای آینده ایران ترسیم می کند. شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد، چه رهبر»، «زن، زندگی، آزادی»، «جمهوری اسلامی نمی خواهیم»، «مرگ بر خامنه ای» و... از عمومی ترین و محوری ترین شعارهایی است که در کف خیابان، در دانشگاهها، در بازار و در میان دانش آموزان فریاد زده می شود.

بر اساس تخمین روزنامه حکومتی سازندگی دست کم ۲۰ هزار نفر تا ۲۹ مهرماه دستگیر شده اند. این روزنامه در تاریخ ۲۹ مهر ماه نوشت: «آماري که علیرضا بیگی (عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس) به آنها اشاره کرده بیانگر آن است که فقط سه هزار نفر از بازداشتیهای حوادث اخیر در استان تهران به فشافویه منتقل شده اند و احتمالاً بخشی به همین اندازه هم در زندان اوین بازداشت شده اند. این موضوع نشان می دهد که احتمالاً دستگیرشدگان استان تهران در ناآرامیهای یک ماهه گذشته بیش از ۳ هزار نفر بوده، اما این نشانگر آن است که اگر به طور متوسط در هر استان ۵۰۰ نفر بازداشت شده باشند دستکم در کل کشور بیش از ۲۰ هزار نفر در ناآرامیهای اخیر دستگیر شده اند.» (سایت خبرفوری رژیم)

سازمان عقو بین الملل و نهادهای مدافع حقوق بشر آمرههایی تاکنون داده اند. با توجه به این که تعدادی همچنان مفقود هستند، تعدادی بعد از ضربه های باتوم در روزهای بعد در بیمارستان درگذشته اند و یا خانواده ها زیر فشار رژیم هستند، آمار واقعی شهدای قیام و دستگیرشدگان هنوز روشن نیست. سازمان مجاهدین خلق ایران آسامی ۲۶۰ تن از شهیدان قیام تا پایان مهرماه، را منتشر کرده است.

در میان شهدای قیام، تعداد زیادی کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال هستند که عکسهای بسیاری از آنها در شبکه های اجتماعی پخش شده است. کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد از بازداشت صدها کودک و حداقل ۲۳ کودک و یک پسر ۱۱ ساله خبر می دهد.

ورود فراگیر دانشجویان به قیام، همراهی دانش آموزان در چند نقطه و همراهی مردم خیابان با آنها و حضور جوانان، به ویژه زنان در جنگ و گریزهای خیابانی، پیوستن کسبه و بازاریان در لاله زار تهران و در بسیاری از شهرهای دیگر به اعتصاب به ویژه در شهرهای کردستان و... تداوم تسخیر خیابان را نشان می دهد. دانشجویان علاوه بر شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «می جنگیم، ایران و پس می گیریم»، چند شعار جدید، برای مثال: «پهش نگین اعتراض، اسمش شده انقلاب» و «اوین شده دانشگاه، ایران شده بازداشتگاه» را به ثبت رساندند.

کشتار بی رحمانه دهها نفر از هموطنان در زاهدان و زخمی کردن صدها نفر از آنها، یورش به مسجد آنها و



تخریب قیام آفرینان و جعل واقعیت کف خیابان و... نتوانست خیابان را از زنان و مردان شورشی خالی کند.

همبستگی سراسری ایرانیان در خارج از ایران در ۱۵۰ شهر همزمان با حضور زنان و مردان شورشی در خیابانهای کشور، صدای ترکه های خشم مردم بر پیکر لهیده و فروتوت جمهوری اسلامی را به سراسر جهان رساند. همایش دستکم ۱۰۰ هزار نفر از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی، در برلین در حمایت از مردم به پا خواسته ایران، نقطه عطفی در همبستگی و نشان دادن چهره ای نو از مردم ایران در سطح جهان بود. مهمترین آن، تمایز گذاشتن بین مردم و حکومت و این که رژیم نماینده آنها نیست را به چهارگوشه جهان نشان داد. اراده دختران شجاع در کف خیابان برای برچیدن بساط دیکتاتوری، قوی ترین ضربه را بر پیکر رژیم ولایت فقیه وارد کرده است. این ضربه بر «قلب و مغز» نظام، بدون شک تحولی عظیم در ایران و در ادامه با گسترش آن برای زنان کشورهای خاورمیانه در مبارزه برای برابری جنسیتی خواهد بود.

تداوم خیزشهای خیابانی با خواست مشخص سرنگونی رژیم، گام بلندی در جنبش ضد دیکتاتوری علیه ولایت فقیه برداشته و مسیر آن به سوی انقلاب است. مردم ایران برای این بیپاخاسته اند تا «فلک را سقف» بشکافند و «طرحی نو» دراندازند.

گفت و گو و بحث در مورد اصلاح روشها اشکالی ندارد و...».

وزیر علوم رژیم روز یکشنبه ۱۰ مهر بعد از حمله وحشیانه به دانشجویان دانشگاه شریف، وارد این دانشگاه شد تا به قول خودش با دانشجویان معترض «گفتگو» کند. گفتگو در قاموس رژیم یعنی سرکوب. آیت الله هایی که جرئت قدم زدن در خیابان را ندارند، در حال نسخه پیچی هستند. آخوند مقتدایی عضو خبرگان ولی فقیه گفت: «گشت ارشاد خیلی موفق نبوده؛ باید به آنها تذکر داد/ ناآشنایان با مشکلات مردم نظراتی می دهند که به ضرر نظام است.»

آیت الله اعرافی، مدیر حوزه جهل و جنایت به درستی تصویری از آینده را ترسیم کرده است: «اگر جلوی کسانی که شال و روسری بر می دارند و آتش می زنند گرفته نشود، به سراغ عبا و عمامه نیز خواهند آمد.» گرچه این آخوند ترسو از طریق یکی، از نزدیکانش، مجبور به تکذیب حرفهایش شد، اما واقعیت تفرز از «آخوند» آشکارتر از آن است که بشود آن را پنهان کرد و شعار «آخوند باید گم بشه» این حقیقت را عریان کرد.

مجلس نشینان که شهامت رفتن با دست خالی به خیابان را ندارند، در صحن مجلس با دهنهای کف کرده شعار داده و خون خودشان را به «رهبر» شان نثار کردند. نایب رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس ارتجاع گفت:

بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب

کامران عالمی نژاد



همبستگی اقوام و ملیتهای مختلف، بعد از بمباران مقر احزاب گرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق از طرف جمهوری اسلامی، همگان شاهد بودیم که معترضان برای همدلی و همدردی با کردها شعار «خونین تمام ایران از کردستان تا تهران»، «از کردستان تا تهران ستم علیه زنان» و یا «از زاهدان تا تهران، جانم فدای ایران» سر دادند.

جنبش بی بدیل دانش آموزان، اعتراض، تجمع و راهپیمایی دانش آموزان در مدارس و سر دادن شعارهای «مرگ بر خامنه ای» در همبستگی با قیام در تاریخ ایران بی سابقه است.



جنبش دانشجویان کشور، از اولین روزهای اعتراضات کنونی، هر روزه دهها دانشگاه در سطح کشور همگام و همصدا با مردم معترض در خیابان و در دانشگاهها دست به تجمع و اعتراض زدند. در روز نهم مهر ماه، دانشجویان ۴۰ دانشگاه در سطح کشور دست به اعتصاب و تظاهرات زده و به مردم پیوستند. این روز را باید نقطه عطف جدیدی در مبارزات دانشجویی کشور دانست. دانشجویان در این روز شعار «بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب» سر دادند. بدین ترتیب جنبش دانشجویی کشور پس از سالها سکون یک بار دیگر نقش محوری و پیشتاز بودن خود در انقلاب را به تثبیت رساند و همگام با مردم معترض، در صفوف مقدم نبرد با دیکتاتوری نقش می آفریند.

دانشجویان کشور تنها در مهر ماه بیش از ۶۰۰ تجمع و حرکت اعتراضی، همچنین تعداد کثیری باینیانه در پشتیبانی و حمایت از اعتراضات مردمی صادر و از استادان و هم دانشگاهی های خود به تحریم کلاسها و حمایت از آنها دعوت کرده اند.

تداوم اعتراضات، به جرات می توان گفت که جنبش بعد از گذشت بیش از پنج هفته و مقاومت مردم در کوچه و خیابان در برابر مزدوران مسلح رژیم، طولانی ترین و با افتخارترین قیام را در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

پراکندگی اعتراضات، از دیگر ویژگیهای قیام کنونی با توجه به تجربه اعتراضات قبلی می توان به پراکنده بودن اعتراضات خیابانی در شهرهای کلان، نیمه کلان، شهرهای کوچک و حتی روستاها اشاره کرد، بدین صورت که محلات با حداقل افراد به تجمع و اعتراضات خیابانی اقدام کرده، به این ترتیب رژیم برای مقابله مجبور است مرتباً نیروهای سرکوب خود را از یک مکان به مکانی دیگر منتقل کند. این تاکتیک فرصتی مناسب به معترضان می دهد تا هر چه سریعتر به تعداد خود بیافزایند و در مقابله با نیروهای سرکوب آمادگی لازم را پیدا کنند.

با گذشت بیش از یک ماه از اعتراضاتی که در هفته آخر شهریور با قتل مهسا امینی (ژینا) توسط اوباش خامنه ای کلید خورد، اینک اعتراضات مردم پا به مرحله جدیدی می گذارد و روز به روز شعله ورتز، باشکوه تر و ابعاد عظیم تری به خود می گیرد.

مردم در خیابان با دلآوری و شجاعت وصف ناپذیری در برابر مزدوران مسلح، بدون ترس از دستگیری، شکنجه و حتی جان باختن، فریاد «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای» سر می دهند.

رژیم درمانده از کنترل اعتراضات به مانند حیوانی زخمی و دریند، برای رهایی از این میدان نبرد، با سر به دیوار بتونی «جامعه معترض» می کوبد و هاج و واج از استقامت جامعه در برابر خود به مجیز گوئی و التماس برآمده است.

این رویه را به وضوح در صحبتهای سران نظام، شوهای تلویزیونی پیرامون علل وقوع اعتراضات، با شرکت کارشناسان حکومتی و حتی افرادی که کنار گذاشته شده اند، می توان دید.

محسنی اژه ای، رئیس قوه فاسد قضائیه رژیم، روز دوشنبه ۱۸ مهر در حالی که بیش از سه هفته از اعتراضات گسترده مردمی گذشته بود، ملتسانه در سخنرانی هفتگی خود در شورای عالی قوه قضائیه خطاب به همه جریانها، گروهها، جناحهای سیاسی، دسته جات و حتی افرادی از مردم اعلام آمادگی کرد که: «اگر ابهامی، سؤالی، انتقادی و اعتراضی» هست، آمادگی دارد که با «آنها گفت و گو کند».

ولی فقیه نظام از هراس قیام مردمی در دیداری که با اعضای کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در روز یکشنبه ۲۲ مهر داشت گفت: «نظام جمهوری اسلامی است که در مقابل قدرتها تسلیم نشد و ایستاد و اکنون به درخت تناوری تبدیل شده است که حتی تصور "کندن" آن نیز امکان پذیر نیست.» البته باید توجه داشت که روی صحبت علی خامنه ای نه دولتهای خارجی بلکه، مردم جان به لب رسیده کشور است که قصد از ریشه بر آوردن بنیان ولایت فقیه را دارند.

شرکت گسترده زنان و دختران شجاع در اعتراضات و به آتش کشیدن روسریهای شان به عنوان نمادی از اعتراض مدنی به حکومتی که حجاب اجباری را یکی از ارکان لاینفک ایدئولوژی خود می داند، تو دهنی محکمی بعد از چهل و سه سال تدریس و تعلیم اجباری در آموزشگاههای کشور است که اینک جامعه هر چه را حکومت اسلامی بافته، پنبه کرده است.

سیل پشتیبانی بی سابقه سلبریتیها، کارمندان صدا و سیما، فوتبالیستها، استادان دانشگاهها، معلمان و حتی خودیهای حکومتی در داخل، همچنین چهرهای بین المللی و ایرانیان خارج از کشور از اعتراضات به حق مردم، قوت قلبی برای معترضان است که به خیابان آمده اند و معتقد به براندازی کل سیستم فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی هستند.

مردم دیگر به کلمه ای از اراجیف حکومت باور ندارند و نمی خواهند «مانند گذشته» زندگی کنند، از طرفی رژیم نمی تواند مانند گذشته سیاستهای ارتجاعی خود را به «جامعه دیکته» کند. این یکی از نشانه های «بحران غیر قانونی» و یا «بحرانی انقلابی» است.

جنبشهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ درسهای آموزنده ای به جامعه داد، این آموزه ها را معترضان قیام کنونی به خوبی به کار گرفته و به نحو احسن از آن بهره می برند.

از مشخصه های جنبش شهریور می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- یک حرکت توده ای و همگانی است که به هیچ گروه و یا سازمانی خاص وابسته نیست، این مهم را می توان در شعارهای قیام کنندگان به وضوح مشاهده کرد
- نقش گسترده زنان و جوانان دهه های اخیر در آن برجسته است به نحوی که می توان گفت: زنان نقش پیشاهنگ دارند.



مضمون قیام و وظایف ما

بقیه از صفحه ۳

حجاب و بی حجاب، مومن و کافر دارای منافع عینی است و علیه گرایش نیرومندی در جامعه به کار گرفته می شود که سازوکار ریاکارانه دستگاه حاکم را شفاف و تناقضاتش را آشکار می سازد.

طبقه ممتاز برای آنکه فرش "اسلام" از زیر پایش کشیده نشود، برای بسیج نیروهایش، تحریک بخشهای عقب مانده جامعه و کشاندن آن به پشت سر خود و از همه مهمتر، برای جلوگیری از اتحاد طبقات و لایه های اجتماعی گرد مطالبات مشترک و تقسیم آنها به چند دسته با پلاتفرمهایی بر فراز سر تضادهای موجود در روابط اجتماعی، مبارزه جاری را جنگ علیه مذهب و اسلام جلوه می دهد. از این رو تصادفی نیست که این بار نیز با همین سلاح به چنگ روانی علیه قیام رفته است.

رهبران و بلندگوهای رسانه ای "نظام"، کارزار سازماندهی شده ای را برای ارائه تصویری گمراه کننده از اعتراضات و قیام کنندگان پیش می برند که یکی از محورهای اصلی آن در کنار اتهام "تجزیه طلبی" و "دستور گرفتن از کشورهای بیگانه"، "دین ستیزی" است.

آنها تبلیغ می کنند که مخالفان "قرآن آتش می زند"، "حجاب از سر زن محجبه می کشند"، "مسجد و حسینیه آتش می زند" و جز آن. حاکمیت در جریان "طرح عفاف و حجاب" هنگامی که با مقاومت سرسختانه زنان و تشدید تضاد جامعه با خود روبرو شد، به همین ترفند روی آورد و تمام نیروی خود را برای جلوه دادن این واکنش و مخالفت با حجاب اجباری به جنگ "باحجاب و بی حجاب" به کار انداخت و با شکستی همه جانبه روبرو شد. امروز نیز کسانی که در سرتاسر کشور به جنگ استبداد مذهبی حاکم رفته اند، هیچ سووتفاهمی نسبت به خواسته ها، مسیری که به برآورده شدن آنها می انجامد و متحدان خویش ندارند.

آری، جامعه مرزبندی قاطعی با دولت دینی، ارتجاع مذهبی، امتیازات روحانیون و دستگاه مذهب، دخالت دین در زندگی شخصی، پوشش اجباری، خرافه پردازی و دیگر نمادهای هویتی اسلام سیاسی دارد و الیتراتیو آن را در مناسبات عرفی و دموکراتیک جستجو می کند و نه نشان دادن شریعت مقدس دیگری زیر عنوان "دین ستیزی" به جای آن!

برآمد

تضاد جامعه با استبداد مذهبی که رونای سیاسی سرمایه بزرگ، کارتلها و بورژوازی بوروکراتیک است، در مطالبات دموکراتیک و خواست رهایی و آزادی بازتاب پیدا می کند. قیام کنندگان به رادیکال ترین شکل ممکن این خواستهها را طرح می کنند و به سطح جامعه آورده اند. عمل انقلابی به طور مشخص در این مرحله، مبارزه برای به انجام رساندن وظایفی است که روند رو به جلو انقلاب در دستور کار می نویسد و با خصلت و مضمون آزادخواهانه و عدالت طلبانه متمایز می شود. نطفه تحولات آینده همینجا و همین امروز بسته می شود. به همان میزانی که انقلاب دموکراتیک به گونه کامل تر به اهدافش دست پیدا کند و وظایفش را به گونه قطعی تر به انجام برساند، چشم انداز تحولات متکامل تر روشن تر و واقعی تر پدیدار خواهد شد. مبارزه امروز، مبارزه ای برای فردا هم هست.

عبور از همیشه

م. وحیدی (م. صبح)

به قیام آفرینان ایران زمین

اتحاد

مشعلی ست

تا از تاریکی عبور کنیم

رنگین کمان

در ما سفر می کند

نادیده ها

وزیدن گرفته اند

ای خیابانهای شاد!

روشن ترین سپیده ها

بر باروتان نماز می گزارد

قله های سترگ

با دستپاگان

گره خورده اند

و خردترین شاخه

در زمستان

میوه می دهد

زندگی

کنج دیوار

جوانه زده

و آوازش

مهمان کوچه ها شده

شهر من

برخاسته از خاکستر و خون

بال می گشاید

و عبور از همیشه را

تجربه می کند

آتش و زیتون

م. وحیدی (م. صبح)

نهال خرد

خیزش چراهاست

در زیتون زار تبعیدی

چهره من

بر خاک افتاده

و حقارت

صدای دیروز را

بازتاب می دهد
چه مانده از من
جز صبوری رازی
در محاصره قصه ها
و دیواری بی نشانه
در انتهای راه
بشارتی
که غربت خود را
در رود آینه
به تماشا نشسته ست
به هم می رسیم
یاران!
و از کوبش پای سربازان
سرود می سازیم
ناودانها
آواز زندگی را
به کوچه ها
سر ریز می کنند

هوای مهر

مهین

نم نم باران و بوی خاک
و درد است در سینه رفیقانمان
چون غنچه های شکفته باغ
سینه هاشان چاک چاک
آماج از گلوله هاست
روح پلید استعمار
خواب شان را قبضه کرده
نم نم باران بوی خاک
چه حس غم انگیزی دارد
خاک جنگل
رفقا سینه هاشان
پر از فشنگ؛ رسیده ز دژخیمان سرمایه
سینه ها مثل دشتی
پر از شقایق شدند
و هر فشنگ هر قطره خون
دانه و بذری است
که جوانه خواهد زد...
هوای مهر است و خواب برای بیداری بهمین...

شمع و پروانه

مرجان



زندانی شدن اگر در بسیاری از کشورها سرشکستگی، رسوایی و شرمندگی می آورد، در سرزمینی که خلاف قوانین حاکم بر اکثر کشورهای جهان اداره می شود، یک افتخار و سربلندی است...

اینجا مردم زندانیان سیاسی خود را دوست دارند و اوین که تجسم مبارزات و رشادتهای جوانان، اندیشمندان، هنرمندان و نخبگان جامعه است در قلب ایرانیها می طبد.

اسارت در اوین مدال افتخاری است بر سینه کسانی که به عشق خلق و به امید رهایی میهن، دست از جان و مان شسته و رنج جنگیدن با شب را بر خود هموار ساخته اند.

عزیزانی که چه بشناسیم چه هرگز آنها را ندیده باشیم در خون و رگ ما جاری هستند و چه کور دلی باشد آنکه بخواد این ستارگان بخت ما را به زمین بکشاند.

آتش زدن اوین سببانه تر از آن است که در تصور بگنجد.

شبی که شب پرستان عامدانه شمع وجود اسیران اوین را در هجوم آتش قرار دادند نمی دانستند میلیونها ایرانی مثل پروانه دور وجود فرزندان سرفراز خود خواهند چرخید؟

یک شهر به سوی اوین به راه افتاد و یک ملت با تماشای شعله های بر آسمان کشیده اوین، اشک ریختند و فضای مجازی را به تسخیر اعتراض خود در آوردند. همه انگار عزیزی در اوین دارند و از وحشت زنده زنده سوختن آتش بیقرار و بی تاب شده بودند. چه چشمهایی که تا صبح از خواب گریخت تا لحظه ای از آخرین خبرها غافل نمانند. مثل همیشه دشمن در محاسبات اش اشتباه کرده بود، صدای اعتراض همان شب در خارج از مرزها پیچید. آتش فروکش کرد گرچه صدای تیراندازی همچنان خبر از وسعت جنایت می داد.

حمله به کسانی که برای کمک به اوین آمده بودند صحنه آشکار دشمنی حاکمان با مردم بود، حاکمانی که روی نازیها را سفید کرده اند. کجای دنیا زندانی بودن چنان ارزشی دارد که نفس مردم به جان زندانی هایشان گره خورده است؟

اسمها بود که جلوی چشم تک تک ما رژه می رفتند... نکند... نکند مویی از سر دلاوران ما کم شود، نکند قتل عام شان کنند که بی تردید عاملان را مجازات خواهیم کرد و کسی اخبار سراسر دروغ و تناقض بلندگوهای این شیران حاکم را باور نکرد تا هنگامی که بعد از ساعتها کم کم خبر سلامتی بعضی از زندانیان در فضای ملتهب پیچید، اما هنوز از سرنوشت شماری از زندانیان خبری در دست نیست. در رسانه ها فیلمهایی منتشر شد که عمدی بودن آتش سوزی را اثبات می کرد.



آیا حکومت واقعا در تدارک سینما رکس دیگری بود؟ یا به خیال خام خویش در اندیشه وارد کردن شوک به جامعه و انحراف افکار عمومی از جنایت اردبیل و کشتن اسرا پناهی، دخترک دانش آموز، بر اثر ضربات باتوم بود؟

صد البته که مردم غیور اردبیل در برابر جنایت سکوت نکرده و به خشم و اعتراض برخاستند و نقشه حکومت برای پنهان کردن پنجه خونین اش را نقش بر آب ساختند.

کوردلان باور ندارند که سقوط نزدیک شده و در باتلاقی گرفتار شده اند که هر چه بیشتر دست و پا بزنند بیشتر فرو می روند و از سرنوشت شوم و محتوم شان گریزی نیست.

دلکان بی عار، یا هنرمندان صاحب نام؟

فتح الله کیائیه

«بنده، هنر بدون تعهد را دو پول ارزش نمی گذارم. هنرمند همیشه بر قدرت است نه با قدرت. حالا اگر یکی می خواهد برود با قدرت باشد، بگذار برود خودش را با بند تنبان فلان رییس جمهور "دار" بزند.

هنر که می تواند چیز مفیدی را زیباتر عرضه کند و به آن قدرت نفوذ بیشتری بدهد، باید از خنثی بودن شرم کند. فضیلت هنرمند است که در این جهان بیمار، به دنبال درمان باشد نه تسکین، به دنبال تفهیم باشد نه تزئین، طبیب غمخوار باشد نه دلک بی عار.»

احمد شاملو



یاد شاملوی بزرگ گرامی، او دیگر در بین ما نیست؛ نیست که با دوچشم خود ببیند که در این دوران وانفسا، دورانی که جوانان بین شانزده تا بیست و پنج ساله هفته هاست خیابانهای کشور را زیر گامهای استوار و فریادهای سرنگونی طلبانه شان به لرزه در آورده اند، چگونه بعضی از هنرمندان پر مدعای مردم فریب، خود را با کش تنبان حاکمیت خلق آویز کرده و با هر فشار هرزه دستی فریاد و اسلاما، وا انقلابا سر می دهند و با هرزگی و شکمبارگی بر سر خوان ینغای بیت العنکبوت می نشینند و برای اسلام و رهبر و دولتمردان جنایتکار فریاد وامصیبتا سر می دهند.

تازه ترین شاهکار تملق و بندگی آنها از این قرار است که درست در شب حمله خفاشان به دانشگاه شریف و ضرب و شتم دانشجویان معترض، در یک گروه صد و اندی نفره کنار سفره وزیر ارشاد نشسته و با خوشرویی و بذله گویی عرض چاپلوسی و خوش خدمتی و خوشرقصی خود را به شرف عرض عنکبوت بزرگ رسانده و در بیانیه ای تهوع آور و بدون آنکه اشاره ای به اوضاع و احوال حاکم بر خیابان داشته باشند از وزیر بیت العنکبوت خواستار "اقدامات لازم برای ارتقای موسسه هنرمندان پیشکسوت به بنیاد ملی و همچنین پیگیری تحقق وعده های رییس جمهور در ضیافت افطاری و توجه بیشتر سازمانها و نهادهای مختلف فرهنگی و هنری به توسعه موسسه هنرمندان پیشکسوت" شدند.

در یک کلام این هنرمندان از قبیل (کاظم هژیر آزاد، جلیل فرجاد، اصغر همت، رضا فیاضی، رضا بنفشه خواه، محمد فیلی، عنایت بخشی، فرزانه نشاطخواه، اسماعیل خلج، سوسن اصلانی، جمشید جهانزاده، زهرا سعیدی، محسن کوهستانی) با سابقه دراز در امر چاپلوسی و خوش رقصی، آنچه را که ارزش بحث و گفتگو پیرامونش ندیدند، خون گلگون جوانان وطن بر سنگفرش خیابانهای اعتراض بود. زهی وقاحت و بیشرمی! و البته کمی آنسوی تر از این جماعت موجب بگیر، شاهکار شبه هنرمندانی چون جمال شورجه و جواد شمسفردی بود که با انتشار نامه ای سرگشاده، اعتراضات سراسری در شهرهای ایران را "خداشه به نظام و انقلاب" و "خط قرمز" خود دانستند.

گفتنی است با اینکه جمهوری اسلامی در عمر چهل و چند ساله اش و با همه هم و غم وصف ناپذیر و صرف میلیاردها دلار پول از کیسه ملت، سعی داشت مردم ایران و بخصوص نسل دوم پس از انقلاب را شبیه خود پرورش داده و از جامعه رنگارنگ ایرانی جامعه ای ریاکار و جنایت پیشه و بله -قربان- گوی بسازد، در عوض دید که همان نسل و نسل پس از آن چگونه در خیابان شعار "مرگ بر دیکتاتور" سر داده و هرچه نیروهای جنایتکار و سرکوبگرش بر شدت باران چوب و چماق و شوکر و تیر ساچمه ای و گلوله جنگی بر سر آنها می افزودند، نه تنها رعب و وحشتی در آنان مشاهده نمی شود، که برعکس بر شدت جرات و جسارت شان افزون شده و با هشجاری و تیزهوشی ستادهای محلی مقاومت و جنگ و گریز خیابانی راه اندازی می کنند.

بله، این نسل نسل براندازی و سرنگونی است و این مقاومت جانانه در مقابل سپاه ضحاک بارز ترین و درخشان ترین هنر اعتراضی زمانه ماست.

در پایان لازم به ذکر است که نمایش این وقاحت و بیشرمی هنرمندان حکومتی زمانی بر پرده عریض سینمای وجدانهای پاک و آگاه بشری به اکران در می آید که تقریبا اکثر هنرمندان و سلبریتیهایی صاحب نام کشور و سراسر جهان، از جنبش زنان و جوانان معترض و شورشگر ایران حمایت کرده و در باره آنها سخنان پرشور و امیدوار کننده ای بر زبان رانده اند.

قیام آتشین، ایران در آستانه انقلاب رهایی بخش

خیام، تجریش / پاسداران / مترو شریف / یافت آباد، شهرک ولی عصر / خاک سفید / متروی سعدی در نزدیکی خیابان لاله زار / خیابان ملت / بلوار کشاورز / میدان آیت / چهارراه گلوبندک / بلوار ابوذر / قلعه حسن خان
 اکیاتان / شهرک ولیعصر در کنار چهار راه یافت آباد / جنت آباد / امیر آباد / محله امیربهداد / متروی تاتار شهر / بازار چراغ برق / فلکه صادقیه / نارمک / دردشت / قلهک، در محدوده دانشکده علوم دارویی دانشگاه آزاد در خیابان یخچال / شهرک غرب / هفت تیر / خیابانهای آزادی، انقلاب، وصال، قدس، حجاب، حافظ، جمهوری، امیرکبیر، شریعتی، فلسطین، ۱۵ خرداد، هاشمی، حوالی ایستگاه متروهای سعدی و شریف، سلسبیل، جمال زاده، لباف نژاد، ولی عصر

اعتصاب عمومی در کردستان



روز شنبه ۱۶ مهر، شهرهای بزرگ کردستان به طور یک پارچه در اعتصاب کردند. مراکز خرید، مدارس و ادارت در شهرهای زیر به صورت تعطیل یا نیمه تعطیل درآمدند است:
 جوانرود / دیواندره / سقز / بوکان / سنندج / مریوان / مهاباد

ترازنامه قیام مردم ایران در روز چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۱ در ۳۱ شهر، ۲۳ نقطه تهران و ۱۰ دانشگاه صحنه قیام

در بیست و ششمین روز قیام سراسری، کشور در تاب و تاب آن بسر می برد. براساس گزارشات منتشر شده از سوی شهروند - خبرنگاران، زنان، مردان، جوانان، دانشجویان، دانش آموزان، اصناف در بسیاری از نقاط کشور به خیابان آمده و یا اعتصاب کردند. جنگ گریز با نیروهای سرکوبگر در همه جا گزارش شده است.

خیزش در قیام

رشت: بلوار معلم، محله گلزار، محدوده بین میدان سرگل و میدان مادر / کرج: گوهردشت، گلشهر، فردیس / ساری / اراک: میدان فرمانداری / آباد / اصفهان: بهارستان، یزدانشهر، شاهین شهر، خیابان مطهری ملک شهر / سقز: محله کریم آباد، محله قوخ / شیراز / مشهد: بلوار سجاده / اردبیل / سنندج / کرمانشاه: خیابان آزادی، شهرک دولت آباد / کرمان / گرگان / دهگلان / بوکان / مریوان / بانه / سر پل ذهاب / بابل / بوشهر / گنبد کاووس / دیواندره / مهاباد: میدان استقلال، سه راه وفا / پیرانشهر / ایلام: میدان ۲۲ بهمن / دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد / بندر عباس / لاهیجان / گلگاه در استان مازندران

خروش در محلات تهران

شهرک امید / ولی عصر / بلوار فردوس شرق / شریعتی و کوچه های اطراف آن / لاله زار / تقاطع طالقانی و کارگر / بلوار فردوس / قلهک حوالی ایستگاه مترو شریعتی / روبروی کانون وکلای دادگستری / مرکز خرید پلاتین شهرک غرب / خیابان فلسطین / صادقیه در چهار راه خسرو / قلهک / نازی آباد / گیشا / خیابان وحدت اسلامی / بلوار فردوس در شرق تهران / ایستگاه تاتار / ولنجک / خیابان کارگر / بلوار کاشانی / خیابان قزوین / نارمک / ستارخان

بقیه در صفحه ۹

از عصر روز آینه ۲۵ شهریور که مردم خشمگین تهران به خاطر قتل دولتی مهسا (ژینا) امینی مقابل بیمارستان کسری در میدان آرژانتین تجمع کردند، جرقه قیام همگانی در شهرهای کوچک و بزرگ زده شد. اخبار قیام شکوهمند زنان و مردان ایران زمین تا پایان ماه شهریور در شماره پیش ماهنامه نبرد خلق منتشر شد. در تمامی روزهای مهرماه تجمع، تظاهرات، اعتصاب و درگیری خیابانی در سراسر کشور جریان داشت. اخبار قیام هر روزه در جنگ خبر (وبسایت خبری سچفا) منتشر شده و امکان انتشار تمامی آن در صفحه های محدود ماهنامه نبرد خلق وجود ندارد و از این جهت اخبار برخی از روزهای ماه مهر پوشش داده می شود.

ترازنامه حرکت های انقلابی

در روز شنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۱، بیست و سومین روز قیام

اعتصاب و تظاهرات دانشجویان در ۳۷ دانشگاه

بنا به گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، دانشجویان دستکم در ۳۷ شهر از رفتن به کلاس خوداری کرده و دست به تجمع زدند.
 دانشگاه الزهرا همزمان با حضور ابراهیم رئیسی یا شعار «مرگ برستمگر چه شاه باشه چه رهبر» / دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان / دانشگاه ایلام / دانشگاه نوشیروانی بابل / دانشگاه تبریز / دانشگاه زنجان، دانشکده علوم پزشکی زنجان / دانشگاه دامغان / دانشگاه آزاد گوهردشت کرج / دانشگاه خوارزمی واحد کرج / دانشکده دندان پزشکی گرگان / دانشگاه گیلان / دانشگاه شیراز / دانشگاه علوم پزشکی قزوین / دانشگاه بین المللی امام قزوین / دانشگاه فردوسی مشهد / دانشکده داروسازی دانشگاه فردوسی مشهد / دانشگاه آزاد امامیه مشهد / دانشکده فنی دانشگاه تهران / دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران / دانشکده مدیریت دانشگاه تهران / دانشکده دندانپزشکی دانشگاه آزاد تهران / پردیس فنی دانشگاه تهران / دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک) / دانشگاه بهشتی / دانشگاه صنعتی شریف / دانشگاه علم و صنعت / دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی / دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی / دانشگاه علوم پزشکی ایران / پردیس عمران و نقشه برداری دانشگاه خواجه نصیر / دانشگاه هنر و معماری پارس / دانشگاه آزاد تهران مرکز / دانشگاه آزاد واحد پونک / دانشگاه آزاد تهران واحد سوهانک / دانشگاه آزاد امامیه / دانشکده علوم پزشکی همدان / اعتصاب دانشجویان تربیت مدرس

تظاهرات دستکم در ۳۰ شهر

با آغاز روز شنبه اعتراضات توده ای نیز در شهرهای مختلف کشور آغاز شده است. طبق گزارشهای منتشر شده، مردم در شهرهای زیر به خیابان آمدند.
 مشهد: خیابان کوثر، در کنار پارک ملت / اصفهان / کرمان / شیراز / شاهین شهر / کرج؛ فردیس، گوهردشت، گلشهر، مهرشهر / اراک / آبادان / فردیس کرج / رشت / جوانرود (جوانرود) از توابع استان کرمانشاه / بوکان / سنندج، جنگ خیابانی در سطح شهر / بابل / شیراز، خیابان حضرتی، محله تاجران / دورود در استان لرستان / همدان / مهاباد، چهار راه آزادی، خیابان نبوت / کامیاران / کاشان / پیرانشهر / جلفا / رفسنجان / خرم آباد / اسلام آباد / بجنورد / سقز / شهر قدس (قلعه حسنخان) / کرمانشاه / مهاباد

از شمال تا جنوب تهران؛ قیام و اعتصاب در محلات در ۵۹ نقطه

مردم و جوانان تهران در محلات و خیابانهای مختلف شهر از صبح امروز شنبه ۱۶ مهر ماه به خیابان آمده اند. قیام کنندگان با قدرت در برابر نیروهای سرکوب مقاومت می کنند و در بسیاری نقاط دست به تهاجم می زنند. نبردهای خیابانی با شدت در جریان است و نیروهای سرکوب از تمام ارگانهای نظامی، انتظامی و امنیتی که در سطح شهر پراکنده شده اند، قادر به عقب نشاندن قیام کنندگان نشده اند.
 کسبه بازار بزرگ تهران مغازه های خود را بستند و به مردم معترض ملحق شدند. همچنین بازارهای خیام لاله زار و بازار تجریش هم به اعتصاب پیوسته است. مزدوران حکومتی که برای تهدید و ارعاب بازاربان وارد شده بودند، در خیابان های باب همایون، سعدی و ناصر خسرو به کسبه و مردم حمله ور شدند که پس از مواجه شدن با مقاومت جانانه آنها، پا به فرار گذاشتند. در جریان این درگیریها کانکس نیروی انتظامی هم به آتش کشیده شد.

محلات و نقاط زیر میدان اصلی نبرد روز شنبه:

نازی آباد / تهرانپارس، خاک سفید / میدان فلاح / پونک، از دانشگاه آزاد تا بلوار اشرفی اصفهانی و تیرازه / سعادت آباد / محله تیموری / کاشانی نیش شقایق / سه راه آذری / فلکه سوم تهرانپارس / دروازه دولت / پارک شهر / یوسف آباد تهران / میدان توپخانه / تجریش / پامنار / بهارستان / میدان وثوق / بازار: باب همایون، سعدی، ناصر خسرو،

* زاهدان: مردم با حضور گسترده در خیابان، علیه نیروهای سرکوبگر بسیجی و جمهوری اسلامی شعار دادند.
 * اهواز: تجمع شبانه با شعارهایی از جمله «مرگ بر دیکتاتور».
 * گوهردشت کرج: تظاهرات و سر دادن شعار
 * مشهد: تظاهرات مردم با شعار «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه».
 * همدان: تجمع گسترده مردم به ویژه جوانان و زنان.
 * شاهین شهر اصفهان: مردم با حضور گسترده در خیابان شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند.
 * کرمانشاه: تظاهرات مردم در محله شهرک مسکن.
 * یزد: مردم در کف خیابان همراه با شعارهای ضد رژیم
 * کیش: «توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه»، «ای رهبر آزاده خمینی چشم پراته» و
 * لالی خوزستان: شلیک مستقیم نیروهای امنیتی به معترضان.
 * مهاباد: جوانان دلیر مهاباد خیابانهای شهر را تحت کنترل دارند.
 * تهران، ولنجک: در پی آتش‌سوزی در زندان اوین مردم این منطقه در تظاهراتی شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند.



دانشجویان

* تجمع دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر واحد کرج
 * تجمع دانشجویان در پردیس مرکزی دانشگاه تهران با شعارهای «حراست و سپاهی پیوندتان مبارک» و «ما تماشاچی نمی خواهیم، به ما ملحق شوید» مقابل درب خیابان ۱۶ آذر.
 * تجمع دانشجویان دانشگاه خوارزمی واحد کرج هم با شعار «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه». نیروهای لباس شخصی به دانشجویان تجمع کننده در داخل دانشگاه حمله وحشیانه کردند.
 * تجمع دانشجویان دانشگاه بهشتی در تهران با شعارهای «حالا لای لای، بسیجی به خاک ایران میگه بای بای»، «آزادی آزادی آزادی» و «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد». دانشجویان پشت به بسیجیان شعار می دادند «می کشم می کشم هر آنکه خواهرم کشت».
 * تجمع دانشجویان دانشگاه الزهرا با شعار «زن آزاده منم، مگس هرز تویی».
 * تجمع دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران با شعار «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»
 * تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران
 * تجمع دانشجویان دانشگاه علامه
 * تجمع دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان در حالی که یک بنر با شعار «زن، زندگی، آزادی» را روی زمین قرار داده بودند و سرود «ای ایران» را هم خوانی کردند.
 * تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد گیلان در رشت، دانشجویان دست در دست هم ترانه «برای...» شروین حاجی پور را هم خوانی کردند.

بقیه در صفحه ۱۰

قیام آتشین، ایران در آستانه انقلاب رهایی بخش

بقیه از صفحه ۸

گزارش جنگ خبر از خیزش سراسری روز شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱

شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۲
 روز شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱، در پی فراخوان برای اعتصاب و تجمع، شمار زیادی از مردم در شهرهای مختلف کشور دست به تجمع و تظاهرات و سردادن شعار زدند. در همین روز دانشجویان و دانش آموزان در بسیاری از شهرهای کشور تظاهرات پرشور، اعتصاب و درگیری با نیروهای سرکوبگر برگزار کردند.
 این خروش توده ای در حالی است که نت بلاکس، سازمان غیردولتی ناظر بر اینترنت در جهان، اعلام کرد از ساعت ۱۰ صبح و همزمان با آغاز اعتراضها، یک اختلال عمده جدید در ترافیک اینترنت در ایران مشاهده شده است. اینترنت دچار اختلال و سرویسهای ارسال پیامک قطع شده است.

اعتصاب

کسبه و بازاریان در چندین شهر از جمله ایلام، سنندج، مریوان، سقز، رشت، بهبهان و ... دست به اعتصاب زدند.
 اعتصاب کارگران در شماری از سایتهای نفت و پتروشیمی برای پنجمین روز ادامه یافت.

تجمع، تظاهرات و درگیری در شهرها

* اردبیل: تظاهرات گسترده، درگیری با نیروهای سرکوبگر، سردادن شعار «حکومت بچه کش نمی خواهیم»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای». والدین دانش آموزان در اردبیل در پی گزارشهای مربوط به جانباختن یک دختر دانش آموز به دست نیروهای امنیتی، مقابل دبیرستان دخترانه شاهد تجمع کردند. آنان با پرتاب سنگ، نیروهای گارد ویژه را مجبور به فرار کردند. مردم محلات مختلف اردبیل با شعار «آذربایجان ملتی چکمز بو ذلتی» (مردم آذربایجان این ذلت را نمی تونه تحمل کنه) به قیام سراسری پیوستند.



اسرا پناهی دختری ۱۶ ساله دبیرستان دخترانه شاهد که در حمله نیروهای نظامی به مدرسه جانباخت.
 * خرم آباد: تظاهرات شبانه در خیابان مطهری.
 * تهران: تجمع مردم مقابل پاساژ علاء الدین و سر دادن شعار علیه خامنه ای و سپاه پاسداران.
 * مریوان: مردم با روشن کردن آتش خیابانها را به روی نیروهای سرکوبگر بستند.

* جزیره کیش: تجمع گسترده با شعار «توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه».
 * بانگ شبانه در آریاشهر: «مرگ بر دیکتاتور».
 * اطراف زندان اوین: شعار «مرگ بر دیکتاتور».
 * کرمان: تظاهرات و سردادن شعار «مرگ بر دیکتاتور».
 * تهران: تجمع و درگیری در صادقیه، مردم راهبندان سنگین در میدان صادقیه ایجاد کردند.
 * نازی آباد در جنوب تهران: تظاهرات گسترده مردم این بخش از شهر تهران و فراری دادن نیروهای سرکوبگر.
 * اراک: تظاهرات با شعار «هدف خود نظامه این آخرین پیامه»
 * تهران: تظاهرات در صادقیه، تهرانپارس، شهر ری، قلعه حسن خان (شهر قدس) و خیابان ۲۴ متری با شعار «مرگ بر دیکتاتور»
 * تهران: در جریان ترافیک سنگین اتوبان یادگار به سمت زندان اوین، مردم شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند و پرچمهای جمهوری اسلامی را پایین کشیده و آتش زدند.
 * رشت: تظاهرات با شعارهای «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای».

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن تسلیت و همدردی با همه خانواده‌هایی که جگر گوشه‌هایشان بی‌گناهی، پرپر شده‌اند، همه توان خود را در دفاع از خون‌های ناحق ریخته دانش‌آموزان کشته شده و دانش‌آموزان بازداشتی به کار خواهد بست و تا آزادی همه دانش‌آموزان سراسر کشور با تمام توان در کنار این دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان خواهد ایستاد.

قیام آتشین، ایران در آستانه انقلاب رهایی بخش

بقیه از صفحه ۹

قیام در روز شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۱

جنبش توده ای در شهرهای ایران با شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» و...

*اراک، بندر کنگ در استان هرمزگان، بوکان اعتصاب عمومی و تظاهرات شبانه همراه با درگیری، تبریز، تهران در ۱۷ نقطه و محله (درگیری در میدان نبوت، تجمع در خیابان کاشانی، تجمع اتوبان امام علی - پل عابر پیاده، پونک تهران، تجمع در تهرانپارس، تجمع ستارخان، شهرک صیاد تهران/مردم ماموران را فراری دادند، صادقیه بلوار فردوسی، تظاهرات در خیابانهای لاله زار و امیرکبیر، تظاهرات شبانه در اکیانات با شعار خامنه ای ضحاک/ می کشیمت زیر خاک، نارمک، تجمع مردم در بازار چراغ برق، تظاهرات شبانه در نازی آباد، تظاهرات در شهرک باغ بهشت سعادت آباد، بانگ شبانه در فرمانیه، ...، دزفول (ماموران حکومتی در بسیاری نقاط اقدام به تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور می کنند/ جنگ و درگیری و تیراندازی)، رشت، سندانج (تجمع در محله کمربندی ۲۵، بستن خیابان در محله تقنقان، کنترل خیابانها و راهبندان در خیابانها)، شیراز (حمله وحشیانه به تظاهرات مردم در معالی آباد)، ماهشهر (درگیری و سنگربندی)، مریوان، مشهد (نیروهای سروکوبگر حکومت به ضرب و جرح و تیراندازی به سوی معترضان در خیابان کوثر کردند. خودروها با بوق زدن با مردم همراهی کردند)، مهاباد، اصفهان (تظاهرات با شعار «توب تانک فشفشه آخوند باید گم بشه»، بندر لنگه (معترضان با در دست داشتن پلاکارد در خیابان تجمع کردند)، شمسوار (شلیک سرکوبگران به سمت مردم)، فردیس کرج، کرمانشاه (تظاهرات شبانه در شهرک تعاون با شعار «میجنگیم می میریم ایران رو پس می گیریم»، اصفهان (شاهین شهر با شعار «امسال سال خونه سید علی سرتکونه»، شهرک صنعتی رضوان شهر)، تنکابن (میدان امام و پایین آوردن بیلورد پلیس و آتش زدن کانکس گشت ارشاد)، کرج (گوهردشت)، مهاباد (تداوم قیام شبانه و ایجاد راهبندان) و....

جنبش دانشجویی در دانشگاههای سراسر کشور:

دانشکده حفاظت و مرمت (سوکیاس)، دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه مهاجر اصفهان، دانشگاه جندی شاپور اهواز، دانشگاه تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشگاه صنعتی شیراز، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشگاه گیلان، دانشگاه مازندران، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی همدان با شعارهای «آهای آهای نشسته ها مهسای بعدی از شماست»، «خس و خاشاک تویی، لایق این فاک تویی»، دانشگاه یاسوج، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد (دانشجویان آب حوض و دستان شان را سرخ کردند و آواز «از خون جوانان وطن» را خواندند)، دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک)، دانشگاه بهشتی، دانشگاه تهران در پردیس شمالی/ پردیس مرکزی/ مقابل دانشکده فنی، دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران، دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه تهران با شعار «زن زندگی آزادی»، «ما تماشاگر نم ی خواهیم به ما ملحق شوید» و «خامنه ای قاتله ولایتش باطله»، دانشکده فنی مهندسی دانشگاه تهران واقع در امیرآباد، دانشگاه شریف (تجمع با حضور تعدادی از اساتید در صف اول تجمع جهت حمایت و محافظت از دانشجویان معترض/ دانشجویان به صورت مختلط وارد سلف غذاخوری شدند)، دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشگاه بجنورد، دانشگاه همایونشهر در استان اصفهان و....

خیزش دانش آموزان در شهرهای:

اهواز، تهران (تظاهرات خیابانی دانش آموزان یکی از مدارس دخترانه در تهران با فریاد «زن زندگی آزادی» به خیابان آمده اند)، سندانج، شیراز، گیلان، مشهد (دختران دانش آموزان در هاشمیه با شعارهای «ما از ایران نمی ریم، ایران را پس می گیریم»، «مرگ بر دیکتاتور» و «زن زندگی آزادی» تظاهرات کردند)، بیرجند با شعار «زن، زندگی، آزادی»

اعتصاب کسبه شهرهای:

بانه، بوکان، سقز، سندانج، مریوان، کرج (گوهردشت)

بقیه در صفحه ۱۱

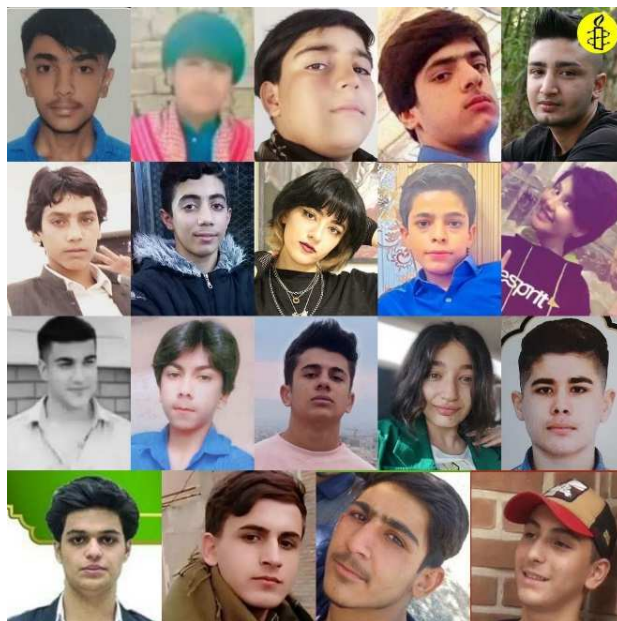
*تجمع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران با شعار «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد» و «قرار ما هر روزه، فکر نکنی امروزه»
*تجمع دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ تهران با شعارهای «آزادی آزادی آزادی»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر».
*تجمع دانشجویان دانشکده عمران دانشگاه خواجه نصیر با شعار «می جنگیم، می میریم، ایران رو پس می گیریم» و «دانشجوی با غیرت حمایت حمایت».
*تجمع دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران با شعار «مهسا، حدیث، سیاوش ایران مثل آتش».
*تجمع دانشجویان دانشگاه هنر سوره با دستهای قرمز شده و با شعار «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد».
*تجمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران شعار دادند: «کردستان، زاهدان، چشم و چراغ ایران».
*تجمع دانشجویان دانشگاه شریعتی در تهران با شعار «دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد».
*تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد پونک در تهران با شعار «بسیجی جیره خور، آخرشه خوب بخور».
*تجمع دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه با شعار «هر یک نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه».

تجمع دانشجویان دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه همراه با سردادن شعار. در برخی از دانشگاهیان شماری از دانشجویان در مخالفت با حجاب اجباری روسری از سر برداشتند.

دانش آموزان

*دانش آموزان دختر در سندانج با راهپیمایی اعتراضی در خیابان ها شعار «ژن، ژبان، نازادی» سر دادند.
*دانش آموزان در خیابانهای مریوان تجمع کردند و شعار دادند.

شهدای قیام، کودکان جانباخته



عفو بین الملل در گزارشی اعلام کرد که نیروهای امنیتی ایران در اعتراض‌های اخیر دست کم ۲۳ کودک را کشته‌اند. این نهاد تاکید کرد که قربانیان ۱۱ تا ۱۷ ساله و شامل ۲۰ پسر و سه دختر هستند.

این نهاد حقوق بشری تصریح کرد که اغلب قربانیان کودک با گلوله‌ی جنگی کشته شده‌اند، دو نفر از قربانیان نیز با گلوله‌های ساچمه‌ای هدف قرار گرفته بودند و سه دختر و یک پسر نیز بر اثر ضرب و جرح شدید نیروهای امنیتی جان باختند. طبق این گزارش، ۱۰ تن از کودکان قربانی بلوچ‌هایی هستند که در جمعه خونین زاهدان کشته شدند. عفو بین‌الملل می‌گوید دست کم هفت قربانی هدف گلوله به قلب، سر یا سایر اندام‌های حیاتی‌شان قرار گرفتند.

حمله تبهکارانه به مقر احزاب کرد ایرانی را محکوم می کنیم.



در شرایطی که رژیم تبهکار و غارتگر حاکم بر ایران از مهار قیام سرنوشت ساز و سراسری مردم ایران ناتوان شده، در شرایطی که صدای خیزش زنان و مردان کشور به گوش جهانیان رسیده و در شرایطی که فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» در سراسر ایران طنین افکن است، در یک اقدام جنایتکارانه رژیم برای چندمین روز متوالی مقر احزاب کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق را مورد تهاجم با موشک و پهباد قرار داده است. در اطلاعیه ای که امروز از جانب «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران» منتشر شد، آمده است: «حمل ه به اردوگاههایی که مهد کودک و مدارس و کسان غیرنظامی در آن مستقرند، بیان از اوج درماندگی اخلاقی و سیاسی و درنده خویی سران رژیم است.» در این اطلاعیه از همه مردم ایران و کردستان خواسته شده که: «به این وحشیگری سرکوبگران رژیم اعتراض نمایند. اتحاد و همبستگی خود و مابین همه اصناف و اقشار را گسترش دهند و تداوم خیزش خود را پاس دارند.»

ضمن محکوم کردن این جنایت ددمنشانه، شهادت هم میهنان غیر نظامی کرد را به خانواده و مردم سراسر ایران به ویژه مردم کردستان تسلیت می گوئیم و برای مجروحان این عمل تبهکارانه آرزوی بهبودی سریع می کنیم.

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مهدی سامع

چهارشنبه ۶ مهر ۱۴۰۱ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲

<http://www.iran-nabard.com/etelayeha/hezb.htm>



کند و زیر شکنجه
بکشد. در این رویا
معلمان و کارگران و
سینماگران و فعالان
مدنی در زندان نیستند.
در این رویا کسی را
یاری آن نیست که به
هوایمای مسافربری
شلیک کند، خبرنگاری
را بدزدد یا هزاران هزار
نفر را در خیابان به گلوله
ببندد. در این رویا باد در
گیسوان زنان خواهد
وزید. در این رویا
کودکان ایدئولوژیهای
قرون وسطایی نمی
آموزند. در این رویا کسی
به مدارس دخترانه حمله
نمی کند. کسی بچه
های مردم را از بلندی
پرت نمی کند، سرشان

را به جدول نمی زند، از پشت به آنها شلیک نمی کند. در این رویا کشورهای همسایه روی آرامش می بینند. در سوریه و لبنان و عراق مدام بلوا و آشوب نیست. کسی به پوئین اسلحه نمی دهد تا اوکراینی ها را بکشد. و در این رویا نفت نه مصیبت که نعمت است. ایرانی بودن نه مایه اندوه که غنیمت است و در این رویا خون؛ دریای خون، بین آدمها جاری نیست... همه ما رویایی داریم و این رویا فقط با سقوط جمهوری اسلامی تحقق می یابد. این رویا با سرنگونی امپراطوری ترس و جنایت علی خامنه ای تعبیر می شود.»

قیام آتشین، ایران در آستانه انقلاب رهایی بخش

بقیه از صفحه ۱۰

تظاهرات و راهپیمایی در برلین



با فراخوان انجمن خانواده های قربانیان پرواز ۷۵۲ در روز شنبه ۳۰ مهر تظاهرات بزرگی در شهر برلین با شرکت دستکم صد هزار تن برگزار شد که پوشش گسترده ای در میان ایرانیان، شبکه های اجتماعی و رسانه های جمعی داشت. شرکت کنندگان در این تظاهرات شعارهای زیادی از جمله: «سنندج، زاهدان، چشم و چراغ ایران» و «اوین غرق خونه، سید علی سرنگونه» و... سر دادند. در این گردهمایی تعدادی از نمایندگان گروههای اجتماعی و اتنیکی صحبت کردند. حامد اسماعیلیون، نماینده خانواده های قربانیان پرواز ۷۵۲ در سخنرانی خود گفت: «همه ما رویایی داریم. در این رویا زندانیان در سه دقیقه محاکمه و سپس اعدام نمی شوند، در این رویا دژخیمان تسمه به گردن نویسنده و شاعر نمی اندازند. در این رویا کسی جرات نمی کند اقلیتها را سرکوب کند، کسی جرات نمی کند کارگری را به جرم نوشتن یا اعتصاب زندانی

چالش‌های معلمان (مهر ۱۴۰۱)

فرنگیس باقره

طناز کلاهچیان با بیان اینکه محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی دفاعیات خود را به تفصیل در دادگاه بیان کردند، گفت: «بنده و همکارم، آقای صفرنیا، نسبت به بیان دفاعیات خود در باره کیفرخواست مطرح شده از سوی نماینده دادستان، که در جلسه هم حضور پیدا نکرد، مبادرت کردیم. از نظر ما، نه تبلیغ و نه اجتماع و تبنی علیه نظام از سوی موکلان ما صورت نگرفته و در این جلسه نیز با بیان ادله مستند، هر دو عنوان اتهامی را رد کردیم.»

بخشی از پیام جمعی از معلمان آزادیخواه استانهای البرز، تهران و فارس



به نام «ژن، ژبان، نازادی» و یاسداشت رمز «ژینای زندگی، بخش» که از عاشق ترین زندگان بود.

پیش از چهار دهه است که نظام سلطه، تمام ساکنان این سرزمین را به بند کشیده، عادی ترین حقوق شهروندی را از آنها سلب کرده، و در مقابل هر شکل اعتراض به وضعیت مستقر، پاسخی جز گلوله و تشدید فضای امنیتی نداشته است و همواره دستگاه قضا، که بایستی قائل به نص قانون اساسی و اساس عدالت باشد، را به عنوان بازوی سرکوب به کار گرفته؛ تا جایی که جرم تراشیهایی واهی، پیرونده سازهایی ساختگی و سناریوی «اعتراف اجباری» کارکردهای بقای نظم موجود است که از دادگاههای بیداد بیرون می‌آید.

طبقه حاکم، تنها معطوف به ملیجک سازی دستگاه قضایی نبوده است؛ بلکه با انواع تبعیضهای جنسیتی، قومیتی، زبانی، مذهبی و... همواره سعی کرده، زندگی اجتماعی ما را درگیر پروژه «تضادسازی» کند تا در دو قطبیهایی شدمند، تمامی امکانهایی زیست مسالمت آمیز جمعی در سایه «فهم تفاوتها» حداقلی شود؛ در واقع اتمیزه کردن «ما» استراتژی کنترل تنهایی بوده که می‌توانستند با «درک حضور دیگری» افقهای ممکن زندگی را تجربه کنند.

در راستای همین تضادسازیها، با باز فعال سازی «گشت ارشاد»، مردم نافی گفتمان ایدئولوژیک را به عنوان «هنجارشکن» و مؤیدان سیاستهای خود را «آتش به اختیار» معرفی کردند، تا دولیته خودی-غیرخودی را در صحنه اجتماع برسانند. در همین فضای ایجاد شده بود که «سپیده رشنو» بازداشت شد و تمامی حقوق انسانی اش مورد تعرض قرار گرفت؛ و هنوز افکار عمومی از ظلم آشکاری که بر «سپیده» رفت، التیام نیافته بود که «مهسا امینی» قربانی ماشین کشتار نظام حاکم شد و تمامی ایران را در سوگی جانسوز فرو برد؛ اما قتل «ژینا» نه تنها باعث نشد که جمهوری اسلامی، خشونت سیستماتیک را متوقف کند، بلکه در واکنش به اعتراضهای به حق مردم، جنایتی دهشتناک را آغاز کرد؛ تا جایی که کشته‌های اعتراضات اخیر، اکثراً عزیزانی هستند که هنوز دهه بیست زندگی شان را از سر نگذرانده بودند!

در این پیام ضمن رد «گفتمان مسلط ایدئولوژیک در کتابهای درسی»، این گفتمان را «جنگ طلبانه و دیگری ستیز»، ارزیابی کرده و نوشته اند: «رمز نام "ژینا" احضار تمامی رؤیاهای به محاق رفته مردمی ست که در نظام جمهوری اسلامی، امکانی برای تحقق نداشته و امروز به «خیابان» آمده اند تا زندگی شان را از «نیروی شر» پس بگیرند.

امضاکندگان پیام «با گفتن "نه" قاطع به ساختار سیاسی موجود، از والدین و تمامی همکاران» موارد زیر را خواسته اند.

- ۱- ضمن حمایت از فرزندانمان، بگذاریم این وطن دوباره وطن شود.
- ۲- با مطالبه آزادی بی قید و شرط معترضان، بر پروژه پیرونده سازهایی امنیتی خط بطلان بکشیم.
- ۳- به دلیل اختلال در اینترنت و فقدان رسانه آزاد در داخل ایران، -که هر دو از ابزار سرکوبند- انتشار اخبار اعتراضات در فضای مجازی را در راستای حضور در خیابان تقویت کنیم.

بقیه در صفحه ۱۳

تعیین زمان و شعبه رسیدگی به اتهامات رسول بدافی



جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات رسول بدافی، بازرس کانون صنفی معلمان و عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از بابت پرونده جدید در تاریخ ۱۸ مهر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار خواهد شد. وی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت امسال بازداشت و در نهایت

به بند عمومی زندان اوین منتقل شد.

آقای بدافی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت امسال به همراه جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. وی در تاریخ ۱۲ خرداد از این بازداشتگاه به بند عمومی زندان اوین منتقل شد اما مجدداً در تاریخ ۲۴ خرداد، به یکی از سلولهای انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.

در آستانه هفته معلم در ایران شماری از فعالان صنفی توسط نهادهای امنیتی احضار و تعدادی نیز بازداشت شدند. روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته کشور در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در مقابل ادارات آموزش و پرورش در بیش از ۴۰ شهر دست به تجمع زده و شماری از فعالان صنفی نیز بازداشت شدند.

بهرام یعقوبی، فعال صنفی معلمان بازداشت شد

بهرام یعقوبی، فعال صنفی معلمان در تبریز، روز سه شنبه ۱۲ مهر توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی اش بازداشت شد. ماموران ضمن تفتیش منزل آقای یعقوبی، شماری از لوازم الکترونیکی از جمله گوشی و کامپیوترهای او و اعضای خانواده اش را ضبط کرده و با خود بردند. یک منبع مطلع نزدیک به خانواده آقای یعقوبی گفت: «بی خبری از سرنوشت آقای یعقوبی که به مکان نامعلومی منتقل شده، به افزایش نگرانیهای خانواده وی منجر شده است.»

بازداشت اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه



روز شنبه ۱۶ مهر، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه، از اعضای انجمن صنفی معلمان مریوان، توسط نیروهای امنیتی در مریوان بازداشت و یک روز بعد، به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند.

روز شنبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه، از اعضای انجمن صنفی معلمان مریوان توسط نیروهای امنیتی در مریوان بازداشت شدند.

آقای لطفی پیش تر در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود و در تاریخ ۲۶ مرداد، با تودیع قرار وثیقه از زندان اوین آزاد. همزمان، آقای نیکخواه پس از احضار به اداره اطلاعات شهر مریوان بازداشت شد. وی نیز پیشتر در تاریخ ۲۲ اردیبهشت، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در تاریخ ۲۹ مرداد، با تودیع قرار وثیقه از زندان اوین آزاد شده بود.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان و جعفر ابراهیمی، فعال صنفی معلمان روز چهارشنبه ۲۰ مهر، در دادسرای اوین برگزار شد.

طی این جلسه که در دادسرای اوین به ریاست قاضی ایمان افشاری برگزار شد، این شهروندان با حضور وکلای خود طناز کلاهچیان و رامین صفرنیا از بابت اتهامات اجتماع و تبنی به قصد براندازی نظام و تبلیغ علیه نظام محاکمه شدند.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۲

از فراخوان «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران»
برای اعتصاب عمومی حمایت کامل می کنیم.

۴ - اعتصابات را به عنوان اهرم فشار بر حکومت و بازوی مقاومت جنبش آزادیخواهی ایرانیان جدی بگیریم.
امید که استمرار «اتحاد ما در خیابان» نه تنها حاکمیت فعلی را نفس بر کند، بلکه پاسخ روشنی به «کرکس سلطنت طلبی» باشد که می خواهد از جنازه نظم موجود، مانده ای برای سفره آتیه خود ببرد.

اطلاعیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

تا آزادی، تا رهایی، تا معلمانی عزیز، جوانان دهه هشتاد و نود، شجاعت شما ستودنی است. ما معلمان از شما درس «شجاعت، زندگی و آزادی» می آموزیم.
شما به شجاعانه ترین زبان، در انظار جهانیان درس رهایی، برابری و آزادی را فریاد زدید؛ شما در حال مقاومت در برابر یکی از بیرحم ترین دستگاههای سرکوب تاریخ معاصر خاورمیانه هستید و این شجاعت مثال زدنی و الهام بخش، در تاریخ این سرزمین و فراتر از آن در سطح منطقه ماندگار خواهد شد. و شما در حال نوشتن برگهای زرینی از تاریخ قرن بیست و یکم هستید.
الف - با معلمان خود شرایط و اتفاقات روز را بحث و تحلیل کنید و کلاسهای درس را تبدیل به سنگر آزادی بیان، آزادیخواهی و عدالتخواهی کنید. از این طریق می توانید به ماهیت معلمان شجاع و آزادیخواه که مواضع خود را شفاف اعلام می کنند، پی ببرید و «معلمان سهمیه ای»، بسیجی، ترسو و خائن، به مردم را بشناسید.
ب - این خیزش برابری می خواهد و آزادی و رهایی، برای زن و برای مرد و برای همه.
در پایان، این اطلاعیه «سرود برابری» برای «همخوانی» دانش آموزان آمده است.

بخشی از بیانیه کانون صنفی معلمان ایران



امروز جمعه ۸ مهر، ۱۵ روز از شهادت یک زن جوان از کردستان ایران به نام ژینا امینی/ مهسا، می گذرد. قتل دولتی زنده یاد ژینا جرقه ای به خرمن خشم و نفرت مردم ایران زد و از همان لحظه اول که خبر شهادت او پخش شد این خشم و نفرت در گوشه و کنار کشور خود را در کف خیابان نشان داد.

مزدوران خلافت خامنه ای در برابر مردم بیخاسته به سیاست همیشگی سرکوب عربان متوسل شدند و هنگامی که خود را در مهار قیام سراسری مردم ناتوان دیدند، در یک اقدام جنایتکارانه برای چندمین روز متوالی مقر احزاب کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق را مورد تهاجم با موشک و پهباد قرار دادند. این اقدام تروریستی که موجی از محکومیت، خشم و اعتراض را برانگیخت آتش قیام را شعله ورتر کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اقدام تبهکارانه رژیم را محکوم کرد و اکنون هم از فراخوان «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران» برای اعتصاب عمومی حمایت کامل کرده و از همه شهروندان کشور درخواست می کنیم که فردا شنبه ۹ مهر به اعتصاب عمومی بپیوندند. مردم متحد و مصمم هرگز شکست نمی خورند. پیروزی از آن ماست.

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - مهدی سامع
جمعه ۸ مهر ۱۴۰۱ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲

کانون صنفی معلمان ایران، ضمن محکومیت شدید اینگونه رفتارهای نابخردانه که به یادگاری شدن فضاهای آموزشی و سلب ماهیت علمی و فرهنگی کلاسهای درس منجر خواهد شد، به همه دست اندرکاران، به ویژه وزیر بے صلاحیت آموزش و پرورش، هشدار می دهد که فوراً و بدون فوت وقت، نسبت به آزادی دانش آموزان معترض زندانی و دلجویی از آنها، همچنین آزادی همکاری یا همکاری که به دلیل حمایت از اعتراضات قانونی، دانش آموزان، یا مقاومت در برابر نیروهای انتظامی و امنیتی، که قصد دخالت در امور مدارس را داشته اند، در بازداشت به سر می برند یا مورد بازخواست قرار گرفته اند، اقدام نمایند.

بدیهی است که در صورت ادامه ای این روند مغایر با قانون و عرف، معلمان، خانوادهها و تشکلهای صنفی، وظیفه خود می دانند که از ساحت مقدس مدرسه، به هر نحوی که شایسته می دانند دفاع نمایند.

کانون صنفی معلمان ایران، چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: خبرگزاری هرانا، تلگرام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور، امتداد، تلگرام کانون صنفی معلمان)

به نام خداوند جان و خرد
اگر مرگ را یکی از یرتکرارترین واژگان این روزها بدانیم، بے تردید مرگ اخلاق، ملموس ترین واقعیت جاری در فضای این روزهای جامعه، رفتار آمران و عاملان و حامیان سرکوب و البته تاسفبارترین آنهاست.
اخبار کشته شدن دانش آموزان، دستگیری آنها، ورود نیروهای انتظامی و امنیتی، به مدارس و... را با ناباوری می شنیدیم و تمایلی به باورشان نداشتیم؛ اما تایید این اخبار، توجیه و عادی جلوه دادن آن توسط بالاترین مسئول (!؟) وزارتخانه نقطه پایانی شد برای ته مانده امیدی که در دل داشتیم. اکنون، از وزیر و دستگاه وزارتت، اش می پرسیم: اینگونه قصد رساندن دانش آموزان به «حیات طیبه» را دارید؟ اینگونه قرار است کودکان و نوجوانان دانش آموز را به افرادی «حقیقت جو»، «شجاع»، «عدالت خواه» و... تبدیل کنید؟

در روزهایی که بسیاری از دانش آموزان و بخش مهمی از جامعه دلزدگی و گاه نفرت خود را از القابات ایدئولوژیک به شدیدترین درجه ابراز می کنند، شما به جای گوش سپردن به اعتراض شان، با لجاجت و البته فهم نادرست از واقعیات، ماموران خود را تحت عنوان پدافند غیرعامل به مدارس می فرستید تا باز هم با روایتی یک طرفه و توجیهات تکراری کاری را که طی سالها نتوانستید انجام دهید، در این روزهای اوجگیری طغیان انجام دهند؟

به جای دفاع از حریم مدرسه و دانش آموزان، ورود غیرقانونی نیروهای امنیتی به مدارس یا حتی دستگیری دانش آموزان، در خیابان، را توجیه می کنید؟
دانش آموزی که نتوانستید در مدارس به شیوه دلخواه خود اجتماعی اش کنید، اکنون در بازداشتگاههای اصلاح و تربیت قرار است، تشبیر و تنذیر و تمشیت شود؟
چه دفاعی کرده اید از مدیر باشرفی که حاضر نشد تصاویر دوربینهای مدرسه را در اختیار ماموران امنیتی قرار دهد و در حضور دانش آموزان بازداشت شود؟
چه اقدامی برای ارتباط و دلجویی از خانواده های داغدار دانش آموزان کشته شده انجام دادید؟ یا برای آزادی بازداشت شدگان، و دلجویی از آنان؟

رویدادهای هنری ماه (مهر ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: فتح الله کیائیه

درخشش هنر اعتراض در خیابانهای ایران



آخرین شعله های شهادت شمع؛ اوضاع دردناک کتاب در افغانستان



"نشر واژه" افغانستان اعلام کرد که به دلیل مشکلات اقتصادی و فروشنده نرفتن کتابهایش از عهده هزینه ها بر نمی آید و کتاب فروشی خود در چهارراه پل سرخ کابل را تعطیل می کند؛ خبری کوتاه اما تلخ هم برای بازار چاپ و نشر افغانستان و هم برای کسانی که روزگار کابل و "پل سرخ" را درک کرده بودند.

در سالهای قبل از سقوط، "پل سرخ" قلب تپنده فرهنگی و هنری کابل بود؛ چهارراهی که به علت نزدیکی به دانشگاه کابل و چند دانشگاه مهم دیگر، به مرکز فعالیتهای فکری و فرهنگی تبدیل شده بود. ساختمان تعداد زیادی از رسانه های معتبر، مقر تعدادی از انجمنهای فعال ادبی و هنری، پاساژ کتاب و کافه های بی شمار آن همه و همه "پل سرخ" را پاتوق اهالی فکر و قلم کرده بود. چهارراه پل سرخ دیگر یک چهارراه عادی در کابل نبود، بلکه به نماد عشق و دانایی و خلاقیت تبدیل شده و به شعرهای شاعران و داستانهای نویسندگان هم راه یافته بود.

در ضلع شمال غربی چهارراه، "مارکت ملی" قرار داشت؛ پاساژی سه طبقه که مقر کتابفروشیها و انتشاراتیهای کابل بود و نشر واژه یکی از انتشارات جوان و پرتعداد این پاساژ و فضای فرهنگی افغانستان بود.

تجارت آنلاین کتاب آلمان؛ فروشی بالای دو و نیم میلیارد یورو

در آستانه برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت در آلمان، آمارها نشان می دهد تجارت آنلاین کتاب در این کشور در سال گذشته همچنان پررونق بوده و فروشی بیش از دو و نیم میلیارد یورو را به خود اختصاص داده است.

از فروش و خریداری کتاب به صورت آنلاین در آلمان پیش از دوره پاندمی کرونا نیز استقبال می شد، اما با اعمال محدودیتهای گسترده برای مقابله با کرونا در دو سال گذشته و تعطیلی چند ماهه بسیاری از کتابفروشیها، تجارت آنلاین کتاب در این کشور در سال گذشته به رقم ۲.۶ میلیارد یورو رسیده است. این میزان یعنی بیش از یک چهارم سهم کل فروش در صنعت کتاب در آلمان.

البته بر اساس گزارش اداره فدرال آمار آلمان، فروش مستقیم کتاب در کتابفروشی همچنان با سهم ۳۹ درصدی بیشترین گردش مالی در این حوزه را به خود اختصاص داده، اما این رقم در سالهای اخیر با کاهش روبرو بوده است.

موسیقی

«زن، زندگی، آزادی» آهنگ جدید خواننده ایرانی هلندی در حمایت از معترضان



بقیه در صفحه ۱۵

ادبیات

آنی ارنو جایزه نوبل ادبی را به خانه برد



کمیته اعطای جوایز نوبل روز پنجشنبه ۱۴ مهر، "آنی ارنو"، نویسنده ۸۲ ساله فرانسوی، را برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۲۲ معرفی کرد.

آکادمی سوئد در بیانیه ای نوشت که خانم ارنو به خاطر "شهامت و تیزهوشی واقع گرایانه" که به او امکان می دهد در آثارش "ریشه ها، بیگانگیها و محدودیتهای جمعی حافظه شخصی را کشف کند"، شایسته دریافت این جایزه است. اکثر آثار آنی ارنو زندگینامه خود او و خانواده اش است که با نگاه موشکافانه در زوایای جامعه شناسی به رشته تحریر کشیده شده است.

در زمان اعلام نام خانم ارنو، کمیته نوبل خبر داد که خود نویسنده هنوز از این امر باخبر نشده زیرا آکادمی سوئد هنوز موفق به یافتن و گفتگو با او نشده است. اما نیم ساعت بعد، خانم ارنو در پیامی گفت دریافت جایزه "یک افتخار بزرگ و همزمان یک مسوولیت خطیر است".

سینما

رویدادهای هنری ماه

از "زن، زندگی و آزادی" تا "آخوند خون آشام" در جشنواره فیلم لندن

بقیه از صفحه ۱۴



موج حمایت بی دریغ سینماگران و جشنواره های جهانی از زنان ایرانی لحظات بی سابقه ای را در عالم سینما رقم زده است که از آخرین آنها باید به جشنواره جهانی فیلم لندن اشاره کرد. در ادامه حمایت پررنگ جشنواره های جهانی که از بیانیه های رسمی جشنواره هایی نظیر ونیز و کن و برلین آغاز شد، تا بریدن کیسوان گروه فیلمسازی بر روی صحنه جشنواره جهانی فیلم آنتالیا - که بازتاب گسترده ای در ترکیه داشت - جشنواره جهانی فیلم لندن هم با اعلام حمایت رسمی از جنبش زنان ایران برای آزادی افتتاح شد. در ابتدای جشنواره، "تیشیا توتل"، دبیر جشنواره، ضمن نام بردن از سه فیلمساز ایرانی زندانی، جعفر پناهی، محمد رسول اف و مصطفی آل احمد، همبستگی کامل خود را با "زنان ایرانی ای که در راه آزادی جان می دهند" اعلام کرد.

مراسم بزرگی هم با حضور سینماگران از کشورهای مختلف جهان برگزار شد که در آن هریک از مهمانان جشنواره تابلویی را در دست داشتند که بر روی هر کدام از آنها نام یک فیلمساز زندانی ایرانی نوشته شده بود.

اما برجسته ترین واکنش را علی عباسی نشان داد؛ فیلمسازی که در جشنواره کن امسال با فیلم "عنکبوت مقدس" تحسین شد. عباسی فرش قرمز فیلمش را به یک پرفرمانس علیه جمهوری اسلامی ایران بدل کرد در حالیکه خودش را به شکل یک "آخوند خون آشام" درآورده بود. عباسی که علاقه زیادی به سینمای وحشت دارد، یکی از شناخته شده ترین شخصیت های این سینما را به عنوان نمادی از حکومت مذهبی ایران، در حالی به نمایش گذاشت که از دهانش خون جاری بود و دستانی لوده به خون هم داشت. لباس سفید رنگ او هم آغشته به قطرات خونی بود که به نظر می آید آشکارا به کشته شدن معترضان در ایران اشاره داشت.

در کنار او عوامل گروهش تابلوهایی مختلفی در دست داشتند که بر روی آنها نام مهسا امینی و شعار "زن زندگی آزادی" نوشته شده بود.

گیسو بُران در جشنواره آنتالیا در حمایت از زنان ایران

پنجاه و نهمین دوره جشنواره جهانی فیلم "آنتالیا" در ترکیه، شنبه شب (۸ اکتبر



۲۰۲۲) به کار خود پایان داد، در حالیکه فضای جشنواره و همینطور مراسم اختتامیه تحت تاثیر اعتراضات ایران بود و برخی از برندگان جوایز به طور مستقیم به رویدادهای ایران اشاره کردند.

یکی از مهمترین لحظات جشنواره زمانی بود که گروه فیلم "دستبند نارپری" بر روی صحنه در حمایت از زنان ایرانی موهای خود را بریدند. این حرکت آنها مورد تشویق بسیار تماشاگران قرار گرفت و روزنامه "جمهوریت"، از مهمترین روزنامه های ترکیه، عکس آنها را در صفحه اول خود منتشر کرد.

بقیه در صفحه ۱۶

به دنبال کشته شدن مهسا امینی، دختر جوان ایرانی که با اعتراضات گسترده مردمی علیه حکومت ایران همراه بوده، سودا علیزاده، خواننده ایرانی هلندی که به "سودالیزا" شهرت دارد، آهنگ جدیدی منتشر کرد. این اثر اعتراضی به زبان انگلیسی، "زن زندگی آزادی" نام دارد که یکی از شعارهای اصلی معترضان در ایران است و این روزها بازتاب گسترده ای در شبکه های اجتماعی و رسانه های خبری پیدا کرده. به گزارش تارنمای "میدل ایست آی"، سودالیزا ۳۵ ساله که با آثار جسورانه و نامتعارف خود به عنوان خواننده ای آوانگارد شناخته می شود، در حساب کاربری خود در اینستاگرام می نویسد که "زن بدون آزادی مانند گل بی خاک است"، و در ادامه می افزاید: "به تمام زنانی که جان خود را فدا کردند تا به آزادی امیدوار باشیم درود می فرستم."

ترانه "برای..." شروین حاجی پور مورد توجه "گرمی" قرار گرفت

به دنبال استقبال از ترانه "برای..." از شروین حاجی پور، خواننده جوان ایرانی، این اثر از شانس زیادی برای دریافت یکی از جوایز جانبی آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط آمریکا که به "گرمی" شهرت دارد، برخوردار است.

این اثر، امسال یکی از گزینه های پیشنهادی برای نامزدی دریافت جایزه جدید "دستاور ویژه: بهترین ترانه برای دگرگونی اجتماعی" است و برنده آن را کمیته ای در آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط انتخاب می کند.

سمفونی برای پرو، تلاش برای تغییر اجتماع و جهان

تغییر زندگی کودکان و نوجوانان به یاری موسیقی ماموریتی است که خواننده معروف اپرا خوان، "دیه گو فلورز" آنها از سالها پیش برعهده گرفته است. برنامه او به نام "سمفونی برای پرو" برای کودکان بی بضاعت این کشور امکان نواختن ساز یا خواندن آواز در گروه کر را فراهم می کند.

خوان دربارۀ انگیزه کارش می گوید: "وقتی تصمیم به ایجاد سمفونی برای پرو گرفتم رویایی داشتم، می خواستم به پسران و دختران بی بضاعت در پرو کمک کنم تا جای امنی داشته باشند که رشد کنند و آموزش ببینند و ارزشهای زندگی را بیاموزند." خوان می گوید موسیقی پیشترها برایش عبارت از رفتن روی صحنه و اجرا کردن و تشویق شدن بوده، اما حالا آن را شیوه ای برای تغییر دادن اجتماع و جهان می بیند.

شکست کمپین تبلیغاتی حکومت در پی اعتراض شدید زنان



شهرداری تهران در میانه اعتراضات مردمی به رهبری زنان و همزمان با سرکوب، قتل و دستگیری زنان مبارز، دیوارنگاره ای متشکل از تصاویر زنان افتخار آفرین ایران زمین را با عنوان "زنان سرزمین من" به نمایش گذاشت.

این اقدام که به نظر می رسد تلاش اتاق فکر جمهوری اسلامی برای مصادره مبارزات زنان آزاده ایران باشد، خیلی زود شکست خورد و با مخالفت گسترده زنان حاضر در این بیلبورد مانند فاطمه معتمد آریا، ژاله علو و بسیاری از فعالان رسانه های اجتماعی روبرو شد. از جمله مرضیه برومند، کارگردان سینما و تلویزیون، خطاب به حاکمیت نوشت: "آقایان، عکس مرا از دیواری که زیرش بچه ها و جوانها را سرکوب کردید بردارید."

رویدادهای هنری ماه

بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب

بقیه از صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۵

حذف تفکیک جنسیت از جوایز فستیوال فیلم لوکارنو



مسوولان برگزارکننده فستیوال فیلم "لوکارنو" تصمیم گرفتند تا از این پس دیگر در اهدای جوایز تفاوتی میان انتخاب بازیگران مرد و زن نباشد و بدون توجه به جنسیت "بهترین بازیگر" انتخاب شود.

این فستیوال فیلم با انتشار بیانیه ای می گوید: "از سال ۲۰۲۳، برندگان بازیگری لوکارنو دیگر بر اساس جنسیت بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن دسته بندی نمی شوند، بلکه جوایز بهترین نقش اول و بهترین نقش مکمل بدون جنسیت خواهند بود."

پیش از این برگزارکنندگان "برلیناله"، فستیوال فیلم برلین، چنین تصمیمی اتخاذ کرده بودند. در سال ۲۰۲۱ "خرس نقره ای" بهترین بازیگر نقش اول و نقش مکمل را که تا پیش از این به یک مرد و یک زن منتخب هیات داوران داده می شد، تنها به دو نفر در دو نقش اول و مکمل اهدا شد.

تصمیم حذف جنسیت انتخاب بازیگر در یکی از مهم ترین فستیوالهای جهان، برلیناله، باعث خرسندی بسیاری از هواداران جامعه "ال جی بی تی کیو"، یا همان جامعه رنگین کمائی شد. آنها معتقدند هر انسانی بدون توجه به هویت جنسیتی و گرایش جنسی حق زندگی و شانس برابر دارد.

"عنکبوت مقدس" در راه اسکار، لرزه وحشت در بیت العنکبوت

فیلم سینمایی "عنکبوت مقدس" که با رونمایی در جشنواره کن ۲۰۲۲ به کابوس حکومت ایران تبدیل شده بود، با راهیابی به رقابت اسکار بار دیگر آن کابوس را زنده خواهد کرد. این فیلم به کارگردانی علی عباسی، به عنوان نماینده دانمارک به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا معرفی شد و قرار است در بخش بهترین فیلم بین المللی با نمایندگان سایر کشورها رقابت کند.

عباسی که مقیم دانمارک است، در "عنکبوت مقدس" داستان قتل‌های زنجیره ای در مشهد در پایان دهه ۱۳۷۰ را به تصویر کشیده است؛ قتل‌هایی که سعید حنایی با انگیزه مذهبی مرتکب می شد و قربانیانش زنان تن فروش پایتخت مذهبی ایران بودند. او به شهادت اعتراضی که در رسانه های داخلی ایران و مستند "عنکبوت آمد"، ساخته مازیار بهاری، علنی شد، آن زنان را به خانه خود می کشاند و به قتل می رساند. حنایی که در خانواده ای مذهبی بزرگ شده بود، به ادعای خود قتل این زنان را پس از آن شروع کرد که یک راننده مسافرکش در مشهد همسر او را با یکی از زنان تن فروش اشتباه گرفت و برایش مزاحمت ایجاد کرد. او می گفت که قصدش از کشتار این زنان "پاکسازی" بوده است.

آنچه می تواند شانس "عنکبوت مقدس" در اسکار امسال را بیشتر کند، اعتراضهای کنونی در سراسر ایران است.

اخبار کوتاه هنری

*انتشار ویژه نامه یدالله رویایی

به کوشش بیژن اسدی پور، ویژه نامه یدالله رویایی منتشر شد. این کتاب که توزیع آن از طریق شبکه مجازی به صورت رایگان صورت می گیرد، با آثاری از محمود عنایت، فریدون تنکابنی، عزت الله همایونفر، حسن فیاد، خلیل موحّد دیلمقانی، حشمت جزنی، اسماعیل خوئی، جلال سرفراز، دنا رباطی، سهراب مازندرانی، فضل الله روحانی، فرامرز سلیمانی، جمال میرصادقی، و... طرح‌هایی از بیژن اسدی پور، اردشیر

نحوه برخورد معترضان با سرکوبگران، بارها در اعتراضات قبلی دیده ایم که معترضان بعد از دستگیری مزدوران رژیم با کمی گوشمالی وی را رها کرده اند، اما در این دوره ما با رفتاری جدید و بسیار قاطع تر از سابق با دستگیر شدگان و به دام افتادگان مواجه هستیم، علاوه بر آن به وفور دیده شده که معترضان با مواد آتشزا و کوکتل مولوتوف و بمبهای دست ساز اقدام به حمله به وسایل نقلیه و موتورهای مزدوران رژیم کرده اند.

برآمد

قیام مردم ایران سالهاست که آغاز شده و همانند رودی که از شبی ملایم روان می گردد در حرکتی آرام ولی ممتد ادامه داشته است، اینک و در طی سالها این رود با خون شهیدان خلق خروشان شده و امروز با قدرتی غیر قابل وصف به سمت دریای «آزاد» مسیرش را طی می کند. در این مسیر پر واضح است هر آنچه که مقابل خود ببیند از ریشه و بن کنده و نابود می کند.

جمهوری اسلامی به پایان عمر خود رسیده و چند قدم تا پرت شدن به دره نابودی فاصله دارد، کار را باید تمام کرد و با تمام نیرو و همبستگی باید ارابه ولایت را به قعر دره هل داد.

معتدلی، مسعود نبوی، وینچنزو بیانکینی، فریبا زیرک زاده، ویدا مریخی، چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. برای تهیه این کتاب می توانید از لینک زیر استفاده کنید:

<https://www.bashgaheadabiyat.com/product/yadol/lah-royaee>

*در اعتراض به سرکوب، مراسم اختتامیه بیست و دومین دوره جایزه

مهرگان لغو شد

دبیرخانه جایزه مهرگان در پی حوادث تلخ و دردناک روزهای اخیر ایران، در بیانیه ای که به امضای مدیر و ۲۴ نفر از داوران جایزه مهرگان ادب و مهرگان علم و محیط زیست رسیده، لغو مراسم اختتامیه جایزه را که قرار بود در روز ۲۹ مهرماه ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲) برگزار شود، اعلام کرد. در این بیانیه آمده است: "برگزاری جشنواره ها و مراسم تقدیر از نویسندگان، هنرمندان و کنشگران محیط زیست ایران در روزهایی که جامعه در التهاب و کشاکش از دست دادن زنان شجاع و جوانان برومندش خروشیده است و شعرا و نویسندگان، دانشجویان و چهره های آگاه و دلسوز وطن در بندند، معنایی ندارد. ما در اعتراض به خشونت کور و ناروایی که موجب پدید آمدن این شرایط پرتنش و نگران کننده شده است، مراسم اختتامیه جایزه مهرگان را برگزار نخواهیم کرد."

*«کنفرانس فیلم کوتاه» عضویت جشنواره فیلم کوتاه تهران را معلق

کرد

نهاد بین المللی "کنفرانس فیلم کوتاه" با صدور بیانیه ای اعلام کرد که عضویت جشنواره فیلم کوتاه تهران را به علت آنکه مدیران فعلی جشنواره فیلم کوتاه تهران از اقدامات به نوشته آنها "خشونت بار حکومت ایران در سرکوب سیستماتیک و کشتار کودکان، زنان و مردان" حمایت می کنند را به حالت تعلیق درآورده است.

*حراج یک اثر گرهارد ریشر، نقاش آلمانی به مبلغ ۲۰ میلیون یورو

تابلوی "۱۹۱ رنگ" اثر "گرهارد ریشر"، نقاش آلمانی مقیم شهر کلن، به قیمت بیش از ۲۰ میلیون یورو در لندن به حراج گذاشته شد. این اثر یکی از گران ترین نقاشیهای یک هنرمند در قید حیات است. سخنگوی "حراجی ساتبی" در کلن اعلام کرد که اثر مشهور "۱۹۲ رنگ" شامگاه جمعه ۱۴ اکتبر در لندن رکورد را شکست و به قیمت ۲۰ میلیون و ۹۰۰ هزار یورو به حراج گذاشته شد.

(منابع: رادیو فردا، جنگ خبر، دویچه وله، بی بی سی، صدای آمریکا، یورو نیوز، ایندپندنت)

به نام زن ، زندگی و آزادی

فتح الله کیا بیها

حال چه شده است که در کشتار ملت بلوچ، توپ باران کردستان، کشتار دانشجویان و قتل دختران و پسران دانش آموز در ایران، هیچ عکس العمل مفید و عملی از خود نشان نداده اید؟

بحث کافی نیست؟

رای زنی کافی نیست؟

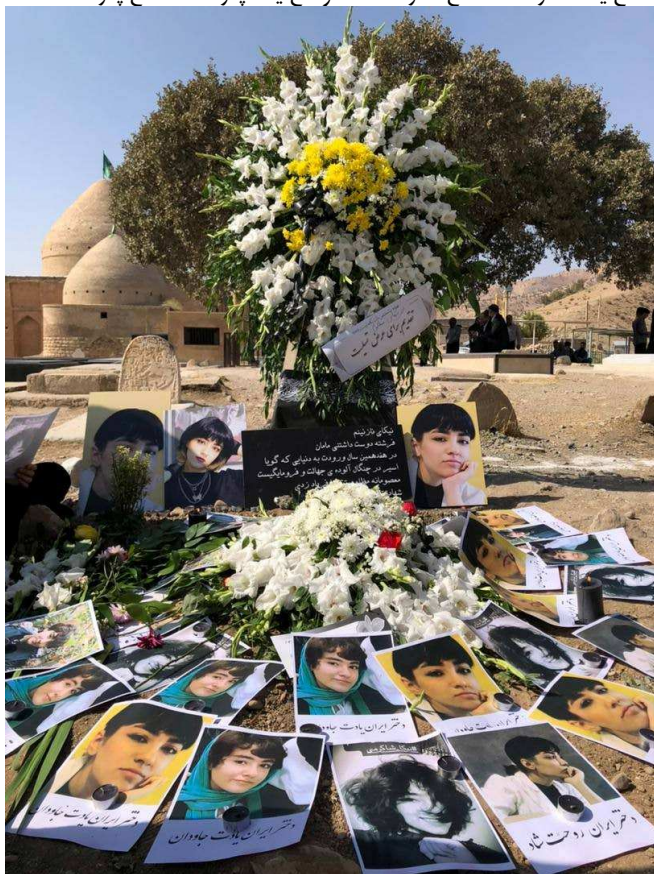
هنوز باید جنایتکاران به خون ریزی خود ادامه دهند؟ آیا جهان غرب می خواهد ناظر بی عمل هولوکاست دوم باشد؟

کجا هستند آزاد اندیشان اروپایی؟ کجا هستند آزادگان آلمانی؟ کجا هستند هم شهریهای عزیزم در ورتسبورگ؟

دانشجویان ورتسبورگ کجائید؟ آیا می دانید که فرهیختگان و هم صنفان شما در دانشگاه شریف و دیگر دانشگاههای ایران، دستگیر شده و هم اینک تحت شکنجه های وحشیانه قرون وسطایی قرار دارند؟

آیا می دانید که توحش قرون وسطایی تروریستهای اسلامی حاکم بر ایران و منطقه، دست بکار نابودی تمام و کمال آزادیها و دستاوردهای حقوق بشری و برابری طلبانه هستند؟

آیا می دانید که بی عملی و تعلل شما؛ مرگ دموکراسی است و تدفین حقوق بشر؟ و اما شما هموطنان عزیزم که اینجا و در کنار ما نیستید؛ آیا از خودتان پرسیده اید که داغ یک مادر همانند داغ مادر شماست و داغ یک پدر همانند داغ پدر شما؟



آیا با خود اندیشیده اید که مرگ هر دختر و هر پسر هر جوان و هر پیر، همانند مرگ عزیزان شما می تواند برای خانواده هایشان ناگوار و دردناک باشد؟

آیا دستی به همدلی و همدردی و هم صدایی با آنها دراز کرده اید؟ و اگر نه؛ پس کی، کجا و چگونه؟

آیا می دانید که عاقبت طلبی شما مرگی غریبانه و دردناک را برای جوانان هموطن رقم می زند؟ و آیا می دانید که مرگ این جوانان نابودی کامل وطن و تاریخش را در پی دارد؟

جوانان در خیابانهای ایران و زیر تیغ بیرحم و وحشی رژیم جنایتکار، جان فدا می کنند و شما؟؟؟

واقعا نمی دانم که در کدام جهت تاریخ ایستاده اید؟ آیا حب وطن دارید یا اشتها برای شام ضحاک؟ کدام یک؟

لطفا جایگاه خود را در تاریخ خونبار این ملت، نشان دهید.

نابود باد جمهوری جنایتکار اسلامی و برافراشته باد پرچم خلقها و ملیتهای تحت ستم ایران و زنده باد آزادی، برابری و حریت انسانی.

متن سخنرانی در گردهمایی ایرانیان در ورتسبورگ در حمایت از انقلاب مردم ایران آلمان - ۸ اکتبر

مهسا امینی را کشتند، به همین سادگی، که هوایمای مسافر بری را سرنگون می کنند، به همین سادگی که اقلیتهای قومی و مذهبی و دگراندیشان را نسل کشی می کنند، بدان گونه ای که در طول چهل و چند سال حکومتشان، بسیاری از زنان، مردان، کودکان، دگر باشان جنسیتی را کشتند و سرکوب کردند و اروپا چشمانش را بست - چرا؟

چون جمهوری جنایتکار اسلامی شریک سود اوری بود-

بله مهسا را کشتند و مهساها را و چرا؟ و چرا جهان سرمایه چشمانش را بست؟ آیا حقوق بشر یک فریب است؟

آیا دموکراسی یک تبلیغ است؟

سرنشینان آن هوایمای مسافرتی چه جرمی داشتند و دلیل کشتارشان چه بود؟

مهسا بعلت پوشش دلخواه خودش دستگیر شد، مورد ضرب و شتم واقع و زیر لگدهای پلیس کشته شد- چرا؟

آیا او حق نداشت که مثل همه ی مردم جهان اختیار پوشش خودش را داشته باشد؟ آیا او حق اعتراض به دلایل بازداشت خودش را نداشت؟

آیا او حق نداشت که حکم دادستانی در بازداشت خودش را رویت کند؟

آیا او حق استفاده از وکیل را نداشت؟

اری ما می گوئیم در قوانین جمهوری اسلامی، انسان هیچ حقی ندارد و بخصوص اگر زن باشد- این قوانین حقوق بشری جمهوری اسلامی است-

با شما هستیم دولت مردان اروپایی، لطفا در کنار برجام، نقض دایم حقوق بشر را نیز مد نظر قرار دهید- بزرگترین شریک تجاری خود را تحت فشار قرار دهید- آیا از منظر شما انسان و حقوقش اولویت دارند یا تجارت سودمند برای شما؟

لطفا لانه های تروریستی رژیم جنایتکار اسلامی را به بندید- به مامشات پایان دهید و کمی در کنار مردم ایران باشید-

دولتها می آیند و می روند- دیکتاتورها ساقط می شوند اما این انسانها و ملتها هستند که باقی می مانند-

با دستان خود، گور دموکراسی و حقوق بشر را حفر نکنید تعلل شما در اقدامی عملی و هماهنگ مرگ دموکراسی است و تدفین حقوق بشر.

خانمها و آقایان پارلمانتر اروپایی هیچ می دانید که با دست خودتان گور دموکراسی و حقوق بشر را در خاورمیانه حفر می کنید؟

آیا می دانید هر روز تعلل شما، در حمایت قاطع از جنبش سرنگونی طلب ملت‌های بپا خاسته ی ساکن ایران، برابر با ضرب و شتم و شکنجه و مرگ عده ای از سرزنده ترین جوانان ایران است؟

باور کنید که این جان در گرو آزادی نهادگان، می توانند پدر خوانده ی تروریسم، یعنی جمهوری اسلامی را، سرنگون کرده و طلوع نخستین شعاعهای دموکراسی و برابری طلبی را به مردم محروم خاورمیانه بشارت دهند.

البته اگر مامشات و دلجویی شما از مالاها اجازه دهد .

باور کنید که مالاها ی تحت امر پوتین هیچ شمع می را زیر اجاق برجام روشن نخواهند کرد. باور کنید که بساط مامشات شما هیچ ملای جنایتکاری را بر سر میز مذاکره قانع نمی کند.

زبان ملا زبان زور و شکنجه و ارعاب است. آنها بویی از انسانیت نبرده اند و هیچ درکی از گفتگو و مسامحه و مصالحه را ندارند . چه دلیلی واضح تر از چهل و چند سال بساط شکنجه و اعدام و قطع عضو؟

آقایان وقتتان را بیخود هدر می دهید و هر لحظه سند قتلعام جوانان این سرزمین را توشیح می کنید.

دیگر بس است مامشات. دیگر بس است مذاکره های نا فرجام. دیگر بس است دلجویی از پدر خوانده تروریسم . خامنه ای یک جنایتکار علیه حقوق بشر است و نوکر سرسپرده ی پوتین. او را تنها بگذارید

و برای یکبار هم که شده، کنار مردم و جوانان پر شور این کشور قرار بگیرید، آنها را تجربه کنید.

باور کنید که اگر بساط طماعی و زر اندوزی مد نظرتان نباشد، متوجه خواهید شد که این جوانان تنها امید آینده جهانی سرشار از صلح، تفهیم و تقاهم هستند. از آنها حمایت کنید . همانگونه که در اعتراض به قتل خاشقچی و جرح فلویید خیابانهای اروپا و آمریکا را صحنه مبارزه با جنایت تبدیل کردید و قاتلان را مجبور به اعتراف .

گزارش تظاهرات در پاریس و هواداران رضا پهلوی متظاهر به اصول دموکراسی

عباس بختیاری

روز یکشنبه ۲ اکتبر تظاهرات بزرگی در پاریس برگزار شد، که به دلیل کثرت و حضور همبسته بیش از ۲۰ هزار نفر از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی، اتفاقی فرخنده و بی سابقه در حرکت های اعتراضی ایرانیان تبعیدی در فرانسه بود. حضور پررنگ هنرمندان، احزاب و رسانه ها در کنار مردم با دیدگاهها و سلیقه های گوناگون، به بهترین شکل تصویرگر اهمیت قیام مردم ایران بود.

این تظاهرات ابتدا به دعوت فرهنگسرای پویا اعلام شده بود که در ادامه با هماهنگی دوستان و مبارزانی که هفته قبل تظاهراتی را برگزار کرده بودند، توانست با پیوند و یاری گروه قابل توجهی از زنان، جوانان و هنرمندان ایرانی و غیرایرانی، ساختار پیدا کند و از آن سازماندهی نوینی شکل گرفت که تمامی برنامه های مربوط به این تظاهرات از جمله دعوت از احزاب و نهادها، شخصیت ها، ارتباط با رسانه های جمعی و انواع اشکال تبلیغاتی و شعارها به عهده هیئت برگزار کننده واگذار گردید. با تلاش شبانه روزی و بی وقفه، تمامی وظایف تک تک یاران به بار نشست و خانواده های ایرانی، نویسندگان، شاعران، هنرمندان، احزاب و سازمانهای سیاسی، تشکل ها و نهادهای انساندوستانه، فعالان سیاسی و به ویژه جوانان و دانشجویان ایرانی - فرانسوی تظاهرات عظیم پاریس رقم خورد. تظاهراتی که پوشش خبری آن در شبکه های تلویزیونی و رسانه های معتبر جهان، از جمله آسوشیئدپرس، خبرگزاری فرانسه، کانال های تلویزیونی یک/دو/ب، اف، ام/ال، س، ال، شبکه های تصویری چند کشور و ... غیرقابل تصور بود.

ما معتقد بودیم که همه مخالفان رژیم جمهوری اسلامی میتوانند با مشخصات دلخواه خود در این حرکت بزرگ شرکت کنند و انتظار داشتیم که شرکت کنندگان به تصمیمات هیئت برگزارکننده احترام گذاشته و آنرا رعایت کنند. تمامی شعارهای این تظاهرات همان شعارهای داخل کشور بود که به زبان فارسی و فرانسه نیز ترجمه و خوانده شد. چند شعار رادیکال دیگر نیز به زبان فرانسه داده شد که بیان درک عمیق برگزار کنندگان این تظاهرات در هماهنگی بودن با شعارهای مردم ایران بود.

اما روز یکشنبه با وجود با شکوه برگزار شدن این حرکت و همه جنبه های مثبت آن و خرسندی هایی که در پی داشت، شاهد اتفاقاتی تلخ و تاسف آور از سوی هواداران اندک رضا پهلوی بودیم که باید به اطلاع همگان رسانده شود.

این افراد با برنامه ای که از پیش به آنان دیکته شده بود در ابتدا با پرچم های خود محل سخنرانی را اشغال کرده و با وجود توضیحات مکرر و مودبانه، آنان با تندخویی برخورد کرده و با استفاده از دو تن از افراد قوی هیکل اعلام داشتند که ما کار خودمان را انجام می دهیم و از کسی هم اجازه نخواهیم گرفت. به خاطر جلوگیری از هرگونه تنش و اتفاق ناگوار از ادامه بحث خودداری شد. در همان زمان پرچم این افراد در میان جمعیت حاضر با آرم تاج به نمایش در آمد. در ادامه با شروع راهپیمایی، مجدداً هواداران انگشت شمار سلطنت با اعمال زور خود را در پیشاپیش تظاهرات کنندگان قرار دادند و با وجود درخواست های مکرر جهت رعایت نظم و حضور در صف تظاهرات از این کار خودداری کردند. در مسیر راهپیمایی خانم یاسمین پهلوی به تظاهر کنندگان پیوست. همزمان یک بانوی ایرانی اقدام به سر دادن شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر» نمود که مورد فحاشی یکی از همراهان یاسمین پهلوی قرار گرفت و اندک تشنجی در آن نقطه بوجود آمد. در تجمع میدان ناسیون که قسمت پایانی برنامه بود، این رفتارهای تحمیل گرانه ادامه پیدا کرد. آنان کوشش می کردند محل سخنرانان و اجرای برنامه های هنری را اشغال کنند که این موجب عدم اجرای سه قسمت از برنامه های پایانی شد. متأسفانه ساعتی بعد برخی از رسانه های فارسی زبان به شمول «تلویزیون ایران انترناسیونال» اخبار را بگونه ای تنظیم و مونتاژ کرده که گویی این حرکت بزرگ و وسیله طرفداران رضا پهلوی سازماندهی شده است. این اقدام باعث آزردهی و تأثر عمیق بسیاری از شرکت کنندگان که مخالف هرگونه حکومت مذهبی و موروثی هستند، قرار گرفت. براساس شواهد و گزارشهای بسیار، این رفتار آمرانه و تحمیل گرانه در برخی از کشورهای دیگر هم از جانب این جریان اتفاق افتاده است.

آقای رضا پهلوی؛ به جنبش و مردم نگاه کنید! این نوع تاکتیک های زشت، سطحی و مشمژکننده هیچ جایی در مفهوم پشتیبانی از مبارزات مردم ایران ندارد! رسیدن به هدف با استفاده از ناسالم ترین روش های ممکنه نوعی ماکیاولیسم است که هیچ رد و نشانی از آن در مبارزات نسل جوان و مردم ایران نمی بینیم! با زور نمی شود خود را ژنرال، تیمسار و پادشاه جا زد. آنچه که طرفداران شما انجام می دهند، یادآور رفتار و اعمال دسته های اوباش همچون شعبان بی مخ سابق و حزب الهی امروز است. اکنون تصحیح کنید و نگذارید این واژه شاه الهی ها بیش از این عالمگیر شود.

شما اگر توانایی و تجربه سازماندهی دارید، بفرمائید فراخوان بدهید و تظاهرات مستقل با نام و نشان خود برگزار کنید، نه اینکه با موج سواری ماحصل تلاش دیگران را مصادره کنید! عباس بختیاری - مدیر فرهنگسرای پویا - پاریس - جمعه ۷ اکتبر ۲۰۲۲

همه با هم برای آزادی بدون «جمهوری اسلامی و سلطنت»

زینت میرهاشمی



رسانه های رادیو فردا، اینترنتشال، بی بی سی و... در یک اقدام هماهنگ آب در هاون می، کوبند و به دنبال بازکردن، راه برای غالب کردن، «سلطنت» به مردم ایران هستند. اما مردم آزادی می خواهند و این با استبداد مذهبی و دیکتاتوری رضاخانی میسر نیست. شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، افق آینده را ترسیم می کند.

در تظاهرات چند هزار نفری ایرانیان خارج از کشور، دوربینهای رسانه های فوق، روی بازمانده خاندان سلطنت متمرکز می، شوند تا حضور آنها را پررنگ نشان، داده و بابت آن، نمدی برای کلاه خود بدوزند. آنها که در قیام مردم به دنبال شعار «رضا شاه روح شاد» بودند و پیدا نکردند، اکنون با پروژکتور قوی می، خواهند به زور به خلاق، بگویند که همه با «ما» هستند.



قرار است در میان ایرانیان خارج از کشور شعار «همه با هم» به شعار «همه با سلطنت» تعبیر و تفسیر شود. خوب می، دانند که به طور مستقل نیروی، نیستند و بنابراین پشت شعار «همه با هم» پنهان شده اند. یادمان هست که سازندگان شعار «ایران، برای همه ایرانیان» چه نقشه کثیف و ظالمانه ای در سر داشتند. این رسانه ها به فحاشی و لومین بازی تعدادی از طرفداران «رضا خان قلدر» کاری ندارند. به این که آنها «به فرموده» خود در صف اول «جا» می، زنند و در اطراف میکروفونها متمرکز می، شوند تا «همه» تلقی شوند کاری ندارند. انجام «وظیفه» می، کنند، «عرض خود» می، برند و «زحمت ما» می، دارند. رسانه هایی که روزگاری نه چندان دور در انجام «وظیفه» با دود و دم «سید خندان»، در نشه گی، مردم را به دنبال «سراب» می، فرستادن، اکنون در «خماری» به دنبال داری سلطنت هستند.

مردم اما از «دیکتاتوری سلطنتی» عبور کرده و از «استبداد دینی» هم با اتحاد و همستگی، و سرنگونی، استبداد دینی، عبور خواهند کرد. مردم برای آزادی و عدالت با جمهوری دموکراتیک، کثرت گرا و جدایی دین از حکومت، خیابان را با تمام هزینه های آن انتخاب کرده اند.

۱۳ مهر ۱۴۰۱

زنان در مسیر رهایی (مهر ۱۴۰۱)

اسد ظاهری

سوزاندن روسری نمادی از عصیان‌گری علیه حجاب اجباری



به دنبال خاکسپاری ژینا امینی، دختر ۲۲ ساله اهل سقز که برای گردش به تهران سفر کرده بود و در تهران توسط گشت ارشاد بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد، اعتراض علیه حجاب اجباری شروع شد. این اعتراضات سراسری با پشتیبانی زنان جریان پیدا کرد. زنان معترض با از سر برداشتن روسری نشان دادند که حجاب در ایران اجباری است و نه از روی میل و انتخاب زنان.

در این اعتراضات بعضی از زنان با کوتاه کردن مو و تراشیدن موهای شان نشان دادند که موی زنان فقط بهانه‌ای برای استثمار و به سلطه کشیدن زنان توسط حکمرانانی است که با توسل به زور و دین خود را در مسند قدرت نگه داشته‌اند.

زنان در این اعتراضات با آتش زدن روسریهای شان، انزجار خود را از حجاب اجباری نشان داده و قتل زنان را به بهانه‌های حجاب و ناموس پرستی محکوم کردند. زنانی که تحت نام دین هر روز کشته می‌شوند و دست‌انکاران این قتلها هیچ توانی پس نمی‌دهند.

حجاب اجباری که در طول بیش از چهار دهه پس از انقلاب خلقها در ایران، نماد رژیم جمهوری اسلامی بود اکنون سوزاندن آن به نماد براندازی تبدیل شده است.

لغو مصاحبه کریستین امانپور با ابراهیم رئیسی به خاطر عدم اجرای حجاب اجباری



کریستین امانپور خبرنگار سی‌ان‌ان، با انتشار پستی در توئیتر از لغو مصاحبه با ابراهیم رئیسی خبر داد. وی در توئییتی نوشت «درخواست پوشیدن روسری از سوی ابراهیم رئیسی را رد کردم و به همین دلیل مصاحبه لغو شد.» وی همچنین در رشته‌ی توئییتی نوشت: «در حالی که برای مصاحبه منتظر رئیس‌جمهور [رژیم] ایران بوده‌ام، شخصی به نمایندگی از ابراهیم رئیسی به وی گفته است به خاطر مخرم و صفر روسری بپوشد در غیر این صورت مصاحبه انجام نخواهد شد.»

طبق گفته‌های این خبرنگار آمریکایی، وی درخواست ابراهیم رئیسی را نپذیرفته و تأکید کرده است در هیچ‌کدام از مصاحبه‌هایش با رؤسای جمهور ایران حجاب نداشته و در آمریکا هیچ قانونی برای حجاب وجود ندارد.

بقیه در صفحه ۲۰

تجاوز جنسی فرمانده انتظامی چابهار به یک دختر نوجوان ۱۵ ساله



یک دختر ۱۵ ساله توسط فرمانده نیروی انتظامی چابهار حین بازجویی مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. روز پنجشنبه ۲۳ تیر در پی قتل یک زن در یکی از روستاهای شهرستان چابهار و پیدا شدن جسد وی در یکی از ساختمانهای در حال ساخت همسایه‌های این زن به عنوان مظنون مورد بازجویی قرار گرفتند. بر اساس این گزارش در مرحله دوم بازجویی که در ۱۰ شهریور صورت گرفت، یکی از خانواده‌های روستا توسط فرمانده نیروی انتظامی به شهر چابهار احضار می‌شود و ابراهیم کوچکزایی فرمانده نیروی انتظامی در دفتر خود از چند زن که یکی از آنان یک دختر نوجوان ۱۵ ساله است، بازجویی می‌کند. این دختر نوجوان بعد از اتمام بازجویی به مادرش گفته است فرمانده نیروی انتظامی به بهانه بازجویی وی را عریان کرده و سپس به او تجاوز کرده است. خانواده این نوجوان پانزده ساله از فرمانده نیروی انتظامی که گفته می‌شود تجاوز دیگر نیز دارد از وی شکایت کردند.

این جنایت علیه زنان بلوچ تازگی ندارد و عدم امنیت در سیستان و بلوچستان این اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان را در این استان افزایش داده است و فعالان مدنی و حقوق زنان سیستان و بلوچستان نیروهای سرکوبگر سپاه پاسداران را از عوامل ربه‌شدن زنان، آزار جنسی و تجاوز و سرقت و دزدی از مردم فقیر می‌دانند.

زنان افغانستان: مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران



همزمان با اعتصابات و اعتراضات در شهرهای ایران به ویژه در کردستان، شماری از زنان افغانستان حمایت خود را از این اعتراضات اعلام کردند.

زنان معترض افغانستان با تأکید بر اینکه حکومت مردسالاری به پایان خواهد رسید اعلام کردند: «به زودی حکومت پدراها، همسرها و برادرها به پایان خواهد رسید، ما رنجی را تحمل کرده‌ایم که جدا از رنج سپیده‌رشنو که اعتراض اجباری منتشر شد و ژینا امینی که زیر شکنجه جان باخت و هزاران زن دیگر توسط سردمداران حکومت اسلامی سرکوب شدند، نمی‌دانیم.»

این زنان معترض در متن بیانیه خود به رنج زنان ایرانی تحت حکومت اسلامی اشاره کرده و نوشته‌اند: «ما با شعار مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران همبستگی و هم‌رزمی خود را با زنان ایران اعلام می‌کنیم و این همبستگی روزی دشمنان ما را که برادرانه در کنار هم ایستاده‌اند به زانو در خواهد آورد.»

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۹

دانش آموزان: مقتعه اجباری از سر بر می داریم



ای و خمینی و سردادن شعار «ژن ژبان نازادی، ما همه مهسا هستیم، توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه، مرگ بر دیکتاتور، نترسید نترسید ما همه با هم هستیم» برای آزادی بپاخواستند.

علی خامنه ای در نخستین واکنش به قیام سراسری، آن را اغتشاش برنامہ ریزی شده بیان کرد و خواستار تنبیه نوجوانانی شد که در این اعتراضات حضور یافته اند.

زنان با شعار «یا مرگ یا آزادی» پیشاهنگ قیام



اعتراضات به قتل حکومتی ژینا امینی و ضد جمهوری اسلامی، دانش آموزان را بر آن داشته تا آنان نیز به صف معترضان پیوسته و مخالفت خود با نظام مردسالاری را اعلام کنند.

دانش آموزان دختر مقطع متوسط با انتشار بیانیه ای اعتراض خود به حجاب اجباری و بازداشت غیرقانونی دانش آموزان را در اعتراضات مدنی محکوم و اعلام کردند که جهت اعتراض مقتعه خود را در یک روز مشخص از سر بر می دارند.

این دانش آموزان در بیانیه ای با تأکید بر شعارهای (نه روسری نه تو سری آزادی و برابری، زن زندگی آزادی، دانش آموز زندانی آزاد باید گردد) از دانش آموزان مدارس سراسر ایران خواسته اند آنها را در اعتراضات همراهی کنند.

همزمان با اعتراضات گسترده به حجاب اجباری در شرایط بازگشایی دانشگاهها و مدارس و حضور فعال دانشجویان و دانش آموزان در تجمعات با شعارهای ضد حکومتی، اعتراضات و مبارزات منسجمتری علیه جمهوری اسلامی آغاز شده و روند تحولات چند روز اخیر را برای آینده ای روشن تغییر داده است.

تجمع زنان افغانستان در مقابل سفارت «جمهوری اسلامی» در کابل



پس از تداوم قیام و اعلام فراخوانهای مستمر بر ادامه آن تا سرنگونی کامل نظام دیکتاتور و زینستیز جمهوری اسلامی و همزمان با اعتصابات سراسری دانشجویان و دانش آموزان در بیست و دومین روز متوالی، خلقهای سراسر ایران یکصدا و هم دل به خیابانها آمده و علیه این رژیم سرتاسر دروغ و تزویر شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند.

قیام سراسری در ایران که به دنبال قتل ژینا امینی دختر ۲۲ ساله ای اهل سقز آغاز شد، با وجود بازداشتها، سرکوب، قطعی اینترنت همچنان در بیست و دومین روز ادامه داشته و زنان با پیشاهنگی این قیام در شهرهای مختلف ایران صحنه هایی زیبا آفریدند.

معترضان در شهرهای سنندج، کرمانشاه، تهران، اصفهان، مشهد، زنجان، هشتگرد، بوکان، سقز، ورامین، لاهیجان، کرج و دیگر شهرهای ایران با آتش زدن بنرهای خامنه ای، قاسم سلیمانی جنایتکار و خمینی، ایجاد راه بندان و برافروختن آتش در خیابانها و صدای ممتد بوق ماشینها و سر دادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و زن زندگی آزادی خشم و انزجار خود را از این حکومت اسلامگرای افراطی و زینستیز و دیکتاتور نشان داده و اعلام کردند این حکومت آخوندی تروریست پرور هیچ جایگاهی نزد مردم ایران ندارد. اعتراضات مردمی در سراسر ایران همزمان با اعتصابات دانشجویان، دانش آموزان، اصناف و بازاریان در شهرهای مختلف همراه است و با فراخوانهای متعدد به اعتصاب در روز شنبه ۱۶ مهر همراه بوده است.

همبستگی شماری از زنان مراکشی با زنان ایرانی

زنان مراکش در حمایت از زنان ایران کمپین همبستگی برای حقوق برابر و مبارزه با انواع خشونت علیه زنان راه اندازی کردند.

همزمان با قیام مردم ایران که با قتل حکومتی ژینا امینی آغاز شد کمپین کوتاه کردن مو در حمایت از زنان ایرانی و علیه سیاستهای سرکوبگرانه حکومت ایران در جهان راه اندازی شد، در همین زمینه زنان مراکشی نیز به این کمپین پیوسته و با زنان ایرانی اعلام همبستگی کردند.

۲۳ زن مراکشی از جمله هنرمندان، نویسندگان، تهیه کنندگان فیلم، بازیگران جامعه مدنی، فعالان سیاسی و روزنامه نگاران در ویدئو کلیپی به نشانه همبستگی بخشی از موهای خود را کوتاه کردند تا از این طریق حمایت خود را از جنبشهای اعتراضی که بسیاری از کشورها در آن فعالیت دارند حمایت کنند.

بقیه در صفحه ۲۱



گروهی از زنان معترض با تجمع مقابل سفارت رژیم ایران در کابل، پایتخت افغانستان، در اعتراض به قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی علیه زنان ایران، حمایت خود را از اعتراضات سراسری زنان و مردم ایران نشان دادند.

این زنان معترض با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین «زن زندگی آزادی»، «از تهران تا کابل، نه به دیکتاتوری» و «ایران به پا خاسته، حالا نوبت ماست» انزجار خود را از قوانین مرتجعانه حکومت طالبان و آخوندهای حاکم بر ایران نشان دادند.

نیروهای طالبان پس از ۱۵ دقیقه با تیر هوایی و ضرب و شتم زنان معترض را پراکنده کردند.

دختران دبیرستانی به قیام سراسری پیوستند

در سومین هفته از قیام خونین خلقها ایران و در هفته آغاز سال تحصیلی جدید، دانش آموزان دبیرستانی نیز به جمع قیام کنندگان پیوسته و حمایت خود را از معترضان تا رسیدن به آزادی اعلام کردند.

دانش آموزان دبیرستانیهای سنندج، مهرشهر، کرج، شیراز، تهران، دبیرستان سپهدار در اصفهان و...، با برداشتن مقتعه های خود، پایین آوردن عکس خامنه

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۰

یک ارزیابی مستند از توان رژیم و قدرت قیام

منصور امان

با هر روزی که از قیام می گذرد، بر میزان خُشونتِ که رژیم ولایت فقیه علیه آن به خرج می دهد، افزوده می شود، در مقابل و در یک روند معکوس، توان میدانی و اجتماعی خیزش افزایش می یابد. توحش "نظام" هیچکس و بیش از همه قیام کنندگان را بیامون و وضعیتی که حاکمیت لرزان در آن بسر می برد، به اشتباه نمی اندازد.



این کمپین همزمان با مرگ یک زن جوان مراکشی به نام مریم در خانه فرد متجاوز حین انجام سقط پنهانی جنین در ۱۰ اکتبر و روز ملی زنان مراکش نیز است، بنابراین زنان مراکشی شعار «ما موهای خود را برای حقوق نیمی از جامعه کوتاه می کنیم» سر دادند.

در ویدیویی با عنوان «برای مهسا امینی، مریم و دیگران» زنان مراکشی قسمتهایی از موهای خود را با پخش آهنگ فارسی «بلا چاو» که کلماتش بیانگر مخالفت با انواع خشونت علیه زنان است کوتاه کردند.

همچنین گروهی از زنان با تغییر تصاویر پروفایل اکانتهای خود به عکس سیاه و انتشار هشتک «حقوق ما» به این کمپین پیوستند، عده ای نیز ویدیوی کوتاه کردن موهای خود را منتشر کردند.

اعلام همبستگی زنان غزه با زنان ایران



برای رژیم که پایه قدرت آن به طور انحصاری بر توان سرکوبش استوار گردیده و وابستگی، ثبات و بقای آن به این بنیاد پس از خیزش شهریور به گونه تصاعدی افزایش یافته، ناتوانی در عقب راندن نیرویی که آشکارا قصد سرنگونی اش را دارد، یک مصیبت تمام عیار با نگاه به یک گور کنده شده است. این در حالی است که حاکمیت از هیچ رذالتی علیه مردم به یاخاسته فرو نگذاشته است.

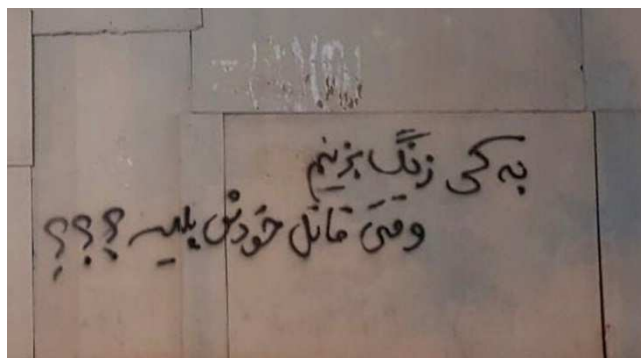
آدمکشان حکومتی با تجهیزات و سلاح جنگی به مردم بی دفاع و غیرنظامی هجوم می آورند. آنها تاکنون بیش از ۲۰۰ تن از زنان و مردان، جوانان و نوجوانان میهن را به قتل رسانده و چندین برابر این تعداد را نیز با گلوله جنگی و ساچمه ای و چماق مجروح ساخته اند. دسته های اوباش رژیم درب و یبجره منازل را تخریب می کنند، شیشه خودروها را می شکنند، به رهگذران حمله می کنند و مورد توهین و فحاشی قرار می دهند.

خُشونت که "نظام" به کار می بندد، امروز دیگر ماهیت هژمونی ساز و اقتدار آفرین ندارد، بلکه واکنش هیستریک و آشفته یک رژیم منززل است که در هراس از سرنگونی بیچ و تاب می خورد و به هر سو جنگ می اندازد. بهترین شاهد بن بست حاکمیت در برابر قیام، تخریب منازل و خودروهاست، حرکتی که بیش از آنکه در قامت یک تدبیر حکومتی باشد، در تراز اوباشگری و لات بازی قرار می گیرد. رژیم ولایت فقیه به این وسیله آشکار ساخته از آنجا که توانایی بازگرداندن اورتیه اش را ندارد، به انتقام گیری از مردم به سخیف ترین شکل رو آورده.

یک محک مستند از توان رژیم و قدرت قیام، اعتراضهای سراسری شنبه ۱۶ مهر است. بهترین فرصت رژیم حاکم برای درهم شکستن قیام، این روز بود. این تظاهرات از آنجا که از پیش اعلام شده بود، زمان و امکان لازم را برای طرح ریزی گردآوری و انتقال نیرو، سازماندهی تدارکات و تجهیزات، استقرار و اشغال نقاط بحرانی و جز آنها را در اختیار حاکمیت می گذاشت. با وجود بهره مندی از این فرجه تعیین کننده، اما همگانی در این روز شاهد یک شکست سخت برای رژیم ولایت فقیه و یک موفقیت بزرگ برای قیام گردیدند. شعله های خیزش در ده ها شهر و صدها نقطه کشور برافروخته شد و ماشین سرکوب "نظام" در سطح شهرها در گل فرو رفت.

این روز یک نقطه چرخش در مبارزه مردم ایران علیه نظام ستمگر ج.ا. است. هر کس با چشمان خود می تواند ببیند که قیام رو به اعتلاء دارد و نه فقط استوار در برابر دستگاه تبهکار و قداره بند ایستاده، بلکه می تواند آن را آشکارا به مبارزه بطلید و به عقب براند. تاثیر این آگاهی ابتدا در جلب بخشهای بیشتری به مبارزه و سپس ارتقای روشهای آن هویدا می شود. ورود کارگران بخش استراتژیک نفت و پتروشیمی به میدان و اعتصاب آنها و همینطور فعال شدن دانش آموزان در اعتراضات، نشانگر به جریان افتادن این روند است، در سوی دیگر ناتوانی حاکمیت در مهار خیزش، ابتدا در بدنه و به صورت نارضایتی، سرخوردگی و انفعال خود را به نمایش می گذارد و سپس نوبت به ریزش در سر خواهد رسید.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۱ مهر



فعالان غزه بار دیگر تاکید کردند که زنان فلسطینی آماده ارائه هر گونه حمایت و همبستگی از کمپینهای خود از رسانه های اجتماعی تا نظارت، برای جلوگیری از گرفتار شدن زنان دیگر در دام ظلم و ستم رژیم ایران هستند.

تغریب جمعه فعال، فمینیست و مدیر اتحادیه کمیته های زنان در نوار غزه، محکوم کردن کشتار زنان مینی بر اینکه این کشتار نشان دهنده سلب حق زندگی یک زن است بیان کرد: «هیچ واکنش مناسبی در قبال کشتار زنان صورت نگرفته است واضح است که ژینا امینی مورد خشونت قرار گرفته است، نه یک نوع خشونت، بلکه چندین نوع خشونت، از جمله بازداشت توسط گشت ارشاد [رژیم] ایران، ضربه به سر که باعث مرگ وی شد، پرتاب گاز اشک آور به سوی برادرش که در تلاش برای جلوگیری از بردن ژینا امینی بود.»

وی گفت: «بازداشت ژینا امینی نقض آزادی شخصی تلقی می شود که این نیز واکنشهایی را در پی داشته است، در حالی که زنان ایرانی با روسری برای اعتراض به خیابانها رفتند با کوتاه کردن موهای خود پیامی روشن به رژیم ایران دادند، اقدامی که رژیم انجام می دهد هیچ سودی برای ترساندن و خاموش کردن صدای زنانی که تا آخرین نفس به دفاع از حقوق زنان ادامه می دهند، ندارد.»

وی تاکید کرد: «هیچ کس به دلیل ظاهر و پوشش حق ندارد علیه دیگری جنایت کند یا اینکه او را به خاطر اخلاقش محاکمه کند، به ویژه زمانی که این اخلاق با سننهایی پیوند زده شده باشد که جنگ را به زنان می فروشد زیرا عمدتاً مبتنی بر افکار نادرست است.»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: ژنها "خبرگزاری زنان نزدیک به PKK"، حال وش، رادیو فردا، العربیه فارسی، رادیو زمانه، ایران اینترنشنال، یورونیوز، خبرگزاری فرانسه، دویچه وله، دموکراسی نا

این موج خروشان است

مهدی سامع



سر کرده کل بیدادگستری کرمان، اعتراضات را «کف روی آب» و «اغتلاش» خواند. آخوند محمود نبویان، از اشغالگران بهارستان، گفت «کف روی آب و نجاساتی» هستند و این «نجاسات را از دامن نظام طرد» می شود. شاید این کارگزاران جنایتکار نظام لازم باشد به چشم پزشک مراجعه کنند. این «کف» روی آب، مشتاقان گره کرده زنان و مردان ایران، زمین و موج خروشان قیام سرنوشت ساز کنونی در «کف» خیابان است. به کارگزاران نظام گفته بودند که تا دوشنبه «فتنه» باید جمع شود. خیابان، اما این «فرمان» سرکوبگرانه را به سخره گرفت و در روز دوشنبه ۴ مهر دستکم این حرکتها صورت گرفت:

تهران در مناطق نارمک، شهرک اکباتان، نارمک، اتوبان امام علی تقاطع پیروزی، ستارخان، خیابان ولعصر / کرج / قم میدان / مفید / تبریز / سوسنگرد / قروه / میوانه / سنندج / یزد / بجنورد / بابلسر / دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس / دانشجویان دانشگاه چمران اهواز / دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان و ...

برای این، که کارگزاران نظام و در راس آن، وله فقیه بدانند که چگونه «کف خیابان» به جان نظام افتاده سخنان یک، از مداحان نظام قابل توجه است. حسین نادری نوشته؛ برای «کشف حقیقت» به خیابان رفته و وقتی دیدم ماموران با جوب بر سر دختری ریختند با آنها گلاویز شدم و ناگهان یک مامور «با باتوم چنان ضربه ای به سرم زد که باتومش شکست» او در پایان، نوشت «لعنت بر این زمانه و فرماندهان آن، نفرین بر این حکومت خودکامه سیاه».

مهدی سامع / سه شنبه ۵ مهر ۱۴۰۱ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲



اوین؛ آتش خشم مردم شعله ور شد!

زینت میرهاشمی

آنچه که شنبه شب ۲۳ مهر، در زندان مخوف اوین اتفاق افتاد، آتش خشم و تفر مردم به رژیم را شعله ورتر کرد و خواست آزادی زندانیان سیاسی قوی تر از هر هنگام به یک خواست ملی تبدیل شد. نام مخوف اوین و شعله های آتش از درون آن، موضوع نگرانی نسبت به جان و امنیت زندانیان سیاسی را از مرزهای جغرافیای ایران عبور و در تلویزیون کشورهای اروپایی پوشش داده شد. رژیم با هر هدفی دست به چنین جنایتی زده باشد و هر توجیه و سناریویی برای آن بسازد، بازنده رویداد شنبه شب است. واکنش داخلی و جهانی به این رویداد، گواه این امر است.



شنبه شب، بر فراز زندان اوین، به عنوان یکی از مخوف ترین سیاهچالهای جهان، شعله های آتش همراه با صداهای مهیب انفجار و صدای ممتد گلوله ها، سبب نگرانی میلیونها نفر در ایران و در خارج از ایران شده است. شنبه شب و در اولین ساعتهای بامداد یکشنبه سیل جمعیت به سمت اوین سرازیر شد. بر اساس گزارشهای مردمی، مردم با شنیدن خبر در نیمه های شب حتا از شهرهای نزدیک به سمت تهران حرکت کردند. بسته شدن اتوبان و راههای به سمت اوین همراه با بوقهای ممتد، بار دیگر همبستگی با زندانیان سیاسی و بیداری مردم نسبت به خطراتی که برای زندانیان سیاسی تهدید است را نشان داد. واکنش سریع هزاران تن از ایرانیان خارج از کشور به این توطئه بسیار شگفت آور و تحسین برانگیز بود.

تا کنون سناریوهای رژیم برای ساده سازی رویداد شنبه شب در اوین، متناقض و مثل همیشه دروغ است. از گاف بزرگ «میدان مین» در اطراف زندان توسط خبرنگاری حکومتی فارس و تکذیب آن، از این که بخش آتش گرفته شامل زندانیان خطرناک و اعدامیها بوده، از آتش زدن خیاطخانه ای که در آن ساعت بسته بوده و ... هیچ خریداری نداشته است. بر اساس خبرهایی که تاکنون پخش شده است، زندانیان در روز قبل با شعارهای مرگ بر دیکتاتوری، از قیام مردم حمایت کرده اند. روز شنبه به زندانیان سیاسی با گلوله جنگی و ساچمه ای و باتوم حمله شده است. تعدادی از زندانیان سیاسی و مالی از بند ۸ روز یکشنبه از زندان اوین به بند قرنطینه زندان رجایی شهر کرج منتقل شده اند. چندین امبولانس از زندان اوین خارج شده است.

وکیل برخی از زندانیان، مصطفی نیلی، گفته است: «خبری نیز شنیده ام که ۱۲ نفر از زندانیان بند هشت در بهداری اوین بستری هستند. همچنین زندانیان بند ۴ و بند زنان فقط گاز اشک آور خوردند و از بند ۷ که محل اصلی درگیریها بوده خبر دقیقی در دست نیست.» آمار رژیم مبنی بر کشته شدن ۴ نفر و زخمی شدن ۶۰ نفر با ابعاد آتشها و صدای انفجار قابل باور نیست. این که بند ۷ فقط مورد حمله قرار گرفته و ربطی به زندانیان امنیتی نداشته، قابل باور نیست. این که اینها از «اردال و اوپاش» بودند، قابل باور نیست. بر اساس خبرها، تعداد زیادی از دهها هزار دستگیرهای اخیر در این بند بوده اند و این نگرانی بیشتری را موجب شده است. بنابراین گزارش رژیم از وقایع شنبه شب زندان اوین هیچ اعتباری ندارد.

با توجه به این که جان زندانیان سیاسی بیش از هر هنگام در خطر است، دخالت نهادهای بین المللی حقوق بشری برای رسیدگی به آنچه که در زندان اوین گذشته و فشار برای آزادی همه زندانیان، سیاسی، ضروری است.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۲۵ مهر

متن سخنان زینت میرهاشمی در گردهمایی پاریس در حمایت از قیام

شنبه ۹ مهر ۱۴۰۱ - ۱ اکتبر ۲۰۲۲



با درود و به یاد شهدای قیام سراسری مردم ایران و درود به زنان و مردان شجاعی که برای برچیدن بساط دیکتاتوری ولایت فقیه، این جرثومه فساد و ظلم بپاخاسته و می خواهند طرحی نو در افکنند و ایرانی نو بسازند. باز هم هزاران افتخار و درود بر آنانی که به درستی خیابان را برای رهایی انتخاب کرده اند.

درود به مادران داغداری که فرزندان جوانشان با گلوله های جنگی و ساچمه ای مزدوران آتش به فرمان خامنه ای و دولت کودک کش و آدم کش او به قتل رسیدند. بدانید که انقلاب دموکراتیک مردم ایران با خونهای جوانانی چنین شورشی بساط ارتجاع را بر هم خواهد ریخت. وجود زنان در صف اول خروش توده های ستمدیده ایران زمین، تضمین کننده مناسبات دموکراتیک در ایران آزاد خواهد بود.

درود بر جوانان در تمام نقاط ایران زمین که با گامهای استوار و جانهای شایسته شان، خیابانها را با گامهای استوار تسخیر کرده و با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، زن زندگی آزادی» شورش علیه ظلم و خیزش برای آزادی را انتخاب کرده و خواب را بر خامنه ای آشفته کرده اند.

دوستان عزیز. هدف از گردهمایی امروز ما، حمایت از قیام سراسری مردم و جلب حمایت بین المللی از خواست مردم ایران برای رهایی از سلطه ننگین نظام ولایت فقیه است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بارها اعلام کرده که «تنها خواست و انتظار ما از دولتهای جهان و از سازمان ملل متحد این است که بر اساس پرنسیپهای اعلام شده خود و به خاطر پایبندی به میثاقها و عهدنامه های حقوق بشر، به استبداد مذهبی حاکم بر ایران یاری نرسانند و با آن مماشات نکنند، ابزارهای سرکوب و سانسور را در اختیار حاکمان ستمگر ایران قرار ندهند و حق مردم ایران برای تعیین سرنوشت خود و سرنوشتی استبداد مذهبی و استقرار یک نظام دموکراتیک، کثرتگرا، عرفی، بدون پروژه هسته ای، طرفدار عدالت، صلح و مخالف تبعیض مذهبی، جنسیتی، قومی و ملی را به رسمیت شناسند.»

ما همگام با مردم ایران، همصدا با شعارهای آنها که می گویند «ما زن و مرد جنگیم بجنگ تا بجنگیم» می گویم جمهوری اسلامی باید به زباله دان تاریخ سپرده شود و زنده باد انقلاب.

پیروز باشید

قیام فضا را برای رژیم در خارج کشور تنگ می کند

منصور امان



برای هر آنکس که قصد داشت بلندا و گستره امواج خیزش دلیرانه و نیرومند مردم ایران علیه رژیم ستمکار ج.ا را اندازه بگیرد، روز شنبه نهم مهر (یکم سپتامبر) فرصت خوبی بود. در این روز نیروی توفنده تحول که در خیابانهای شهرهای کوچک و بزرگ ایران در گشت و گذار است، بیش از صد هزار ایرانی را در ۱۵۰ شهر جهان به خیابان آورد تا مرزهای اجتماعی جبهه قیام را ترسیم کند و محاصره رژیم حاکم و نامشروع را به پیش ببرد.

پشتیبانی عظیم ایرانیان تبعیدی و مهاجر از قیام، ویژگی دوران توفانی است که جامعه ایران در آن بسر می برد. شدت و زرفای تحولاتی که در جریان است، قشرها و طبقاتی که در دوره های آرامش و سکون به فعالیت سیاسی علاقه ای نشان نمی دهند را جذب می کند و آنها را به مشارکت فعال در رقم زدن سرنوشت خود و چگونگی زندگی شان برمی انگیزد.

عامل دیگری که به شکل گیری این روند کمک کرده است، ناامید شدن طبقه متوسط از اصلاح امور و بهبود شرایط زیست اجتماعی و اقتصادی خود در چارچوب نظم حاکم است. بخش غالب ایرانیان مهاجر به این طبقه تعلق دارند. به پایان آمدن افسانه "اصلاحات" و افتادن نقاب از چهره "اصلاح طلبان" در سایه قیامهای دی و آبان، استبداد دینی را در چهره حقیقی خود به عنوان یک مانع و نه یک امکان به بخش تعیین کننده در آگاهی سیاسی این طبقه تبدیل کرد. همانگونه که می توان دید، خیزش ۴۰۱ به جستجوی آن برای راه برون رفت از حصار خود در بیرون از نظم موجود و مرزبندی ناشی از آن، قطعیت بخشیده است.

تأثیرات حرکت بزرگ ۹ مهر فقط به داخل ایران و میدان اصلی نبرد محدود نمی شود؛ در این راستا باید از یک نقطه تحول سیاسی در محیط اجتماعی ایرانیان خارج از کشور سخن گفت که در درجه نخست بر پایه تغییر روحیه و روانشناسی مهاجران و تبعیدیان قرار گرفته. کشیدن شدن آنها به فعالیت مستقل و پشتیبانی از قیام، در همان حال که جو خارج کشور را به سود نیروهای سرنوشتی طلب و رادیکال تغییر می دهد، همزمان میدان را برای رژیم ولایت فقیه و مزدوران صادراتی آن تنگ خواهد کرد. بدیهی است که نیروهای ارتجاعی، فرصت طلبان و شارلاتانها برای منحرف ساختن یا سواستفاده از این شرایط دست به کار شده اند؛ مهم اما آن است که در کنار توضیح و افشای آنها، در میدان نیز با حضور موثر و فعال، اجازه افتادن ابتکار عمل به دست آنها داده نشود.

به خیابان آمدن ایرانیان به گونه جهانی، تأثیرات خارجی معینی نیز چه در پهنه محیط اجتماعی کشورهای میزبان و چه در نگاه و رویکرد دولتها به جا می گذارد. جامعه ایرانیان خارج کشور به مثابه نمونه کوچکی از جامعه ایران، به خوبی فقدان مشروعیت اجتماعی رژیم ج.ا را ملموس و عینی می کند و بدین گونه مسیر آسان گیری و معاملات کثیف دولتها به بهانه هایی مانند "تحول از مسیر تجارت" و وجود "نیروهای میانه رو" را دشوار و پر هزینه می سازد. از سوی دیگر، بازتاب اجتماعی و رسانه ای حرکت سیاسی یک جمعیت به نسبت بزرگ، نه فقط همبستگی و پشتیبانی جوامع و نهادهای مدنی کشورهای میزبان یا مبارزه در داخل کشور را ایجاد و تقویت می کند، بلکه به تولید فشار اجتماعی لازم برای جلوگیری یا خنثی کردن مماشات احتمالی دولتها نیز راه می برد.

تبعیدیان و مهاجران نشان دادند که می توانند پشتیبان نیرومندی برای قیام و قیام کنندگان باشند. آنها نه فقط با تظاهرات، بلکه در اشکال گوناگونی از تدارکات و ارتباطات تا کمکهای مالی و فنی نیز توانایی یاری رسانی دارند. وظیفه روز ایجاد بستری برای مادی شدن این ظرفیتهای بالقوه است.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۴ مهر

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 456 / 23 Octobre 2022

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram @nabard_khalgh --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E - KHALGH in Facebook <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهادای فدایی در آبان ماه



رفیق مریم در آگاه

رفقای فدایی: شاهرخ
هدایتی - فرهاد
سپهری - محمد رضا
چمنی - علی دبیری
فرد - محمد رحیم
خدادادی - بهنام
موحد - عثمان
کریمی - داود مدائن
محمد (اصغر)
سلیمانی - محمد
داود نوری -
عبدالرضا ماهیگیر -
مریم درآگاه - مجید
راشدی - مهران
محمدی - ابراهیم
شریفی - داریوش
مولوی - منیژه طالبی
جهانبخش طغیانی

- عزت الله (موسی) بهرامی - جمشید درآگاه - مرتضی فخر طباطبایی
- عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا نصیری مقدم - سوزان نیکزاد -
هوشنگ والی زاده - عزیز پوراحمدی - علی بهروزی - عمر صالحی
- حسین مدیر شانه چی - منصور اسکندری تربقان - علی اصغر غلامی
- محمد حسین خادمی - نصرت رئیسی - علی برنشان - محمد قادری
- مینا سهیلی زاده - ناصر شادنژاد - احمد پیل افکن - مجید شریفی
- نبی (علی) جدیدی - مظفر قادری - عبدالله (حکمت) کردستانی -
حسین رکنی - مهین جهانگیری - علی رضا شفیعی - علی اصغر
ذاکری - فرج الله نیک نژاد - هوشنگ (همت) احمدی - محمد (اصغر)
سلیمانی - هادی اشکافی - پرویز کرمی - محمد کرم جلیوند -
جهانشاه نجفی - ژیلار رجایی - عزت الله (موسی) بهرامی - محمد
بهرامی - علی ململی - همت چگنی - رضا حسینی مستعان - مسعود
شریفیان - حسن جمالی - علی مولائی و... از سال ۵۰ تا کنون در ماه
آبان در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و
سوسیالیسم توسط رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

یادواره شهیدان فدایی

رفیق شاهرخ هدایتی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



شاهرخ هدایتی یکی از دزدان بانک

اعضای گروه خرابکار از مدتی قبل
تحت تعقیب بودند

شناسائی و کشف هویت خرابکاران
چگونه انجام شد

ارتباط دزدان بانک با «هاسالی» و
«کلانتری» ثابت شده است

سارقین بانک سعی کردند که
کوچکترین اثری از خود باقی نگذارند

مرحوم نشید قبلاً معاون شعبه ای
بود که مورد دستبرد دزدان قرار
گرفته بود
در صفحه ۴

چهارشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۵۰

اطلاعات

آبان ۱۳۵۰ زیر شکنجه به شهادت رسید. پس از آن ساواک دست یک بازی کثیف اطلاعاتی زد و مرگ این رفیق را اعلام نکرد و چند ماه بعد در ۲۲ دی ماه پس از اینکه بانک ملی انصاریه مورد حمله تیم دیگری قرار گرفت، نام رفیق شاهرخ هدایتی را به عنوان مهاجم به بانک معرفی کرد و چند روز بعد از آن در یک خبر ساختگی دیگر اعلام کرد که در حمله به خانه تیمی در کوی کن، شاهرخ هدایتی شدیداً مجروح و سیروس سپهری کشته شده اند. در حالی که سیروس سپهری هم شهرویر همان سال در جریان خانه تیمی شاهپور تهران مجروح و دستگیر شده بود و زیر شکنجه به شهادت رسید. راه، نام و یادش ماندگار

رفیق شاهرخ پس از پایان تحصیل در دبیرستان وارد دانشکده کشاورزی کرج شد و در آن جا عضو تیم مطالعاتی شد. او در سال ۱۳۴۴ دستگیر و به یک سال حبس محکوم شد.

پس از آزادی در فعالیتهای بیشتری مشارکت داشت از جمله مراسم خاکسپاری جهان پهلوان تختی (۱۳۴۶) که نقش موثری داشت و به همین خاطر مجدداً دستگیر شد.

پس از اعلام موجودیت سازمان، او از اولین اعضا و همراهان با رفیق عباس مفتاحی بود. در شهریور سال پنجاه رفیق شاهرخ که در تدارک یک عملیات نظامی بود، در محاصره ماموران ساواک قرار گرفت و دستگیر شد و زیر شدیدترین شکنجه های ساواک در نوزدهم

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم